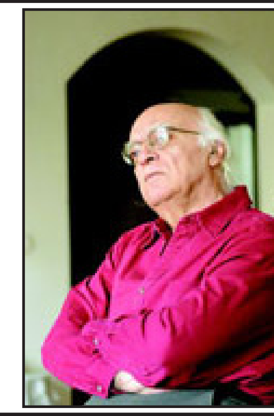
نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال شانزدهم – شماره ۷۱۶– یک شنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۲–۸ صفحه – ۵۰۰ تومان



نجف دریابندری: اعتبار منطقه جنوب است

صفحه۴

نارضایتی ادب دوستان از ادامه فضای بسته فرهنگی در بوشهر

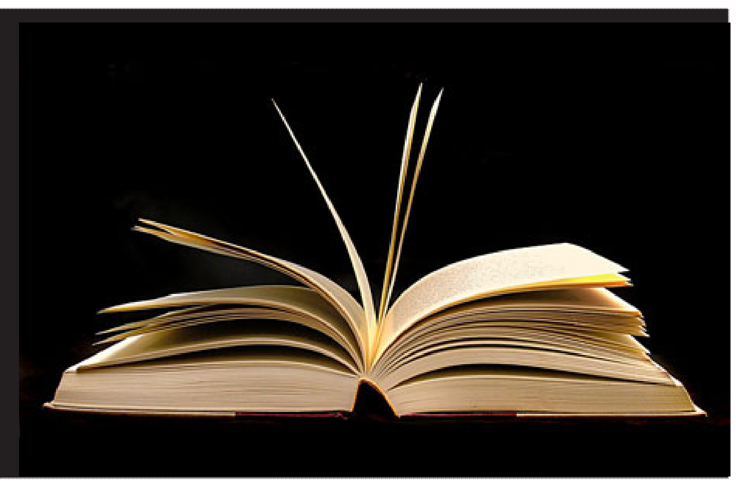
صفحه۴

نامه حامیان جوان ستاد انتخاباتی حسن روحانی در استان بوشهر:

آقای رئیس جمهور! به خواست حامیانتان پاسخ مثبت دهید

بار دیگر تأکید می کنیم که همچون ستاد مرکزی انتخاباتی شما در استان بوشهر، معتقدیم که تنها کسی که می تواند با اتکا به سال ها تجربه و به پشتوانه شخصیت توانمند، معتدل و مردمی خود، مجری سیاست ها و خواسته های دولت تدبیر و امید در استان بوشهر باشد، جناب آقای مهندس تبادار است.

مطالعه؛ کنشی گمشده در زندگی روزمره



سلامی و کلامی ...

یونس قیصی زاده



روحانی کی به بوشهر می رسد؟

بیش از چهار ماه از انتخابات ریاست جمهوری و برگزیده شدن کاندیدایی که در منتقد جدی وضعیت موجود و پرچمدار تغییر اوضاع و احوال کشور بود می گذرد، ولی اوضاع و احوال سیاسی – فرهنگی استان بوشهر همچنان بر روال سابق می چرخد. پیام روشن آن چه که در انتخاب دکتر روحانی به عنوان رئیس جمهور از سوی مردم اعلام گردید، نگرانی از ادامه وضع موجود مدیریت کلان کشور خصوصا در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روابط خارجه بود. این که بخواهیم این پیام روشن را تنها به بهبود سطح روابط خارجی تقلیل دهیم، ظلم به رای دهندگان و نادیده گرفتن مطالبات انتخاباتی آنهاست. اما متاسفانه در چند ماه سپری شده از دولت دکتر روحانی، مردم استان بوشهر هنوز در فضای بسته و محدود کننده دولت احمدی نژاد نفس می کشند و گویا دکتر روحانی برای تهران انتخاب شده و فایده ای از تغییر دولت در بوشهر دیده نمی شود. هنوز شاهد فضای بسته سیاسی – فرهنگی و فشار بر مطبوعات، محدودیت نیروهای فعال سیاسی و جلوگیری از برگزاری مراسم فرهنگی مستقل هستیم، هنوز انحصارگران یکه تازی می کنند، هنوز خوشنامان فرهنگ و هنر در حاشیه نگه داشته شده اند و هنوز...

گویا انحصارگران به عمد می خواهند چنین وانمود کنند که هیچ اتفاقی در فضای سیاسی و فرهنگی کشور رخ نداده است و حتی کار بجائی رسیده که مدافعان و مسببان وضع خراب سالهای گذشته، در فضای بلاتکلیفی انتخاب مدیر ارشد استان، طلبکارانه می خواهند پست های مدیریتی دولت جدید را نیز تصاحب نمایند!

نیروهای سیاسی و فرهنگی مستقل و منتقد استان بوشهر در دولت احمدی نژاد، ایام تلخی را پشت سر گذاشتند و این انتظار را دارند که در دولت تدبیر و امید، شاهد پایان آن روزگاران تلخ باشند. اما معلوم نیست که تفکر دکتر روحانی و وعده های انتخاباتی وی کی به بوشهر می رسد؟ باید به رئیس جمهور گفت: آقای روحانی ما منتظر رسیدن شما به بوشهر هستیم.

نسیم جنوب
خبر ۲
شماره ۷۱۶- یک شنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

وزیر اطلاعات:

بازداشتی‌های هسته‌ای نیروگاه اتمی بوشهر دزد بودند نه خرابکار

وزیر اطلاعات درخصوص ۴ نفر دستگیر شده در یکی از تأسیسات هسته‌ای کشور را دزد ضایعات آهن خواند و گفت: «پرونده این افراد اطلاعاتی و امنیتی نیست.»
محمود علوی درباره چهار خرابکار سایت‌های هسته‌ای که اخیرا دستگیر شده‌اند، گفت: «این چهار نفر «خرابکار» نبودند بلکه به دلیل آنکه در محوطه سایت، ضایعات آهن و فولاد وجود داشته زیر دیوار یک متر و نیمی که دور محوطه است، رفته و فنس را سوراخ کرده بودند تا این ضایعات را در بازار بفروشند.» وزیر اطلاعات افزود: «در واقع این افراد «دزد» بودند نه «خرابکار هسته‌ای» و از اهالی روستای همان اطراف نیروگاه بودند و سابقه این کارها را هم داشتند.»
علوی با اشاره به اینکه پرونده این افراد اطلاعاتی و امنیتی نیست، اظهار کرد که هر زمان وضعیت این پرونده روشن شود، حکم متناسب با آن نیز صادر خواهد شد. علی‌اکبر صالحی چندی پیش از دستگیری چهار خرابکار هسته‌ای خبر داد. رئیس سازمان انرژی اتمی ۱۴ مهر ماه سال جاری ضمن اعلام این خبر تاکید کرد: «دشمن همیشه در پی ضربه زدن به تأسیسات هسته‌ای کشور است به همین منظور وظیفه یگان حفاظت سازمان انرژی اتمی بسیار سنگین است.»
اما رییس سازمان انرژی اتمی پس از اظهار نظر وزیر اطلاعات درباره چهار متهم به خرابکاری در تاسیسات هسته ای، گفت: «اگر وزارت اطلاعات بررسی کرده و گفته دزد هستند که هیچ؛ ولی چه دزد جالبی که زیر دیوار بتونی را در آن شرایط حفر کرده و تلاش داشته که وارد سایت شود.»
وی از ارائه توضیحات بیشتر در این خصوص خودداری کرد و گفت: «وزیر اطلاعات هرچه در این باره بگوید، قبول می‌کنیم زیرا ما این افراد را تحویل وزارت اطلاعات داده‌ایم.»

خبر مدیرکل تامین اجتماعی از بخشودگی جرائم کارفرمایان



مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر از بخشودگی ۱۰۰ درصدی جرائم متعلقه کارفرمایان واحدهای صنفی، صنعتی و کشاورزی خبر داد.
عبدالمجید رازه در گفت‌وگو با فارس اظهار داشت: بخشودگی جرائم متعلقه کارفرمایان، اقدام مهم دیگری در راستای خدمات مختلف سازمان تامین اجتماعی است.
وی بیان کرد: کارفرمایان واحدهای صنفی، صنعتی و کشاورزی برای بهره‌مند شدن از این شرایط باید به سازمان تامین اجتماعی مراجعه کنند.
مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر تصریح کرد: کارفرمایان واحدهای صنفی، صنعتی و کشاورزی با پرداخت بدهی‌های قطعی خود بابت حق بیمه و بیمه بیکاری تا پایان سال ۹۱ می‌توانند از ۱۰۰ درصد بخشودگی جرائم متعلقه برخوردار شوند.
وی پوشش و ارتباط با ۱۵هزار بازنشسته و مستمری بگیر و استقرار کانون بازنشستگان را از دیگر مجموعه مرتبط اداره کل تأمین اجتماعی استان عنوان داشت و افزود: شعبه یک بوشهر و دو بوشهر و همچنین شعبه خارگ بیشترین تعداد بازنشستگان و بازماندگان را تحت حمایت داشته که مجموعاً در کانون بازنشستگان شهرستان بوشهر عضویت دارند.
مقام ارشد تأمین اجتماعی استان بوشهر با اشاره به نحوه عملکرد شعبه و تعداد بیمه شدگان جزیره خارگ تأکید کرد: تلاش مجموعه کارکنان تأمین اجتماعی با رویکرد ارائه خدمات بهتر به ساکنین، اهالی و بیمه پردازان جزیره خارگ است و مسائل و پیشنهادات مطروحه در جلسات هم اندیشی برگزار شده بین شورای اداری بخش خارگ و فرمانداری بوشهر به صورت ویژه پیگیری می‌شود و تا حصول نتیجه، از دست اقدام خارج نمی شود.

معرفی درویشی شهردار نخل تقی

بوهندی نجفی رییس شورای اسلامی شهر نخل تقی در گفتگو با خبرنگار نخل تقی نیوز "از منصوب شدن نامدار درویشی به عنوان شهردار نخل تقی خبر داد.
نجفی از استاندار، خورشیدی مدیر کل شهری و شوراهای استان و همچنین فرماندار شهرستان عسلویه قدردانی نمود.
گفتنی است که در سابقه کاری نامدار درویشی، معاونت شهردار دیر، سرپرست تربیت بدنی دیر، دهیار آبدان، شهردار جم، شهردار نخل تقی، مسئول واحد عمران فرمانداری دیر به چشم می خورد.

چگونه وکیل بوشهری، نایب رییس اول اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران شد

اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران به عنوان بزرگ ترین جامعه صنفی وکلا که مسئول هماهنگی و هدایت جامعه وکلا با قریب بر ۵۰ هزار وکیل است، همیشه جایگاه ویژه ای در بین وکلای کشور داشته و انتخابات هیئت رئیسه آن به خصوص نایب رئیس اول آن، همیشه از بالاترین درجه اهمیت برای اعضای هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری سراسر کشور برخوردار بوده است و چون رییس اتحادیه معمولا به صورت سنتی انتخاب می شود، رقابت اصلی فی مابین اعضای هیئت مدیره کانون ها بر سر انتخاب نواب رییس و البته نائب رییس اول می باشد که هر دو سال یک بار با رأی عمومی انتخاب می گردد.
امسال شهر اراک پذیرای ۱۲۲ نفر از اعضای هیئت مدیره کانون های کشور بود و انتخابات امسال از آن جهت دارای اهمیت بالایی بود که برای انتخابات نواب رئیس ۹ نفر ثبت نام نمودند، اکثر ثبت نام کنندگان برای انتخابات نواب رئیس از نام های آشنا و معتبر جامعه علمی، حقوقی و صنفی وکلا بودند که می توان به دکتر مهدی شهلا عضو هیئت علمی دانشگاه، دکتر فرهودی نیا رییس کانون آذربایجان شرقی، دکتر هما داودی، فریده غیرت و دکتر مهدی عامری اشاره نمود که همگی از چهره های به نام جامعه حقوقی کشور می باشند و دکتر عبدالصمد دولاح باید به رقابت با این افراد می پرداخت.
با توجه به ائتلاف کانون های ترک زبان و هم چنین کانون مرکز، کار دکتر دولاح برای انتخاب شدن بسیار سخت و دشوار بود، زیرا کانون بوشهر، کانونی نوپا و نسبت به کانون های دیگر از قدرت کم تری برخوردار می باشد و از این رو لازم بود تا دکتر عبدالصمد دولاح وقت زیادی را صرف توضیح برنامه ها و فعالیت های خود برای اعضاء نماید.
در روز انتخابات با رقابت سنگین روبرو بود بطوریکه در دور اول انتخابات، دکتر فرهودی نیا و دکتر هما داودی با ۴۱ رأی و دکتر عبدالصمد



Photo : Rasul Saadatnia

دولاح با ۳۹ رأی را بدست آوردند و کاندیداهای دیگر با فاصله بسیار از این سه نفر قرار گرفتند. چون هیچ یک از کاندیداها حد نصاب «۵۰ درصد بعلاوه یک» را به دست نیاوردند، انتخابات به دور دوم کشیده شد که با رقابتی بسیار نفس گیر و تنگاتنگ، دکتر عبدالصمد دولاح با ۵۲ رأی از دکتر فرهودی نیا با ۴۹ رأی و خانم دکتر داودی با ۴۷ رأی پیشی گرفت و به عنوان نایب رییس اول اسکودا (اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران) انتخاب گردید که این انتخاب باعث تعجب و تحسین تمامی حضار گردید. انتخاب ایشان با تبریک استاد دکتر امیر ناصر کاتوزیان پدر علم حقوق ایران و دکتر افتخار جهرمی و بهمن کشاورز همراه گردید.
شاید انتخاب ایشان تأکیدی بر این مطلب باشد که عناوین و نام ها همیشه مهم نیستند بلکه شخصیت افراد و فعالیت ها و کارنامه افرادمورد توجه است و از آن جهت برای استان بوشهر مهم است که تمام کانون های کشور برای چنین انتخابی با یکدیگر ائتلاف نمودند که حضور دکتر دولاح شکست این ائتلاف ها گردید و استان بوشهر را صاحب موقعیت ویژه ای در جامعه حقوقی کشور نمود.
(نوشته شده توسط یکی از وکلای دادگستری)

برکناری مهندس فروزانی معاون دلسوز و کارشناس زبده شهرداری بوشهر

موج برکناری احمدی نژادی به شهرداری بوشهر رسید



در حالی که مهندس آزادشهرکی شهردار جدید بوشهر در معارفه خود به صراحت اعلام نمود که شهرداری جای بازی های سیاسی نیست و قول داد که گرایش های سیاسی اصولگرایانه خود را در مدیریت شهرداری اعمال ننماید، اما تغییری که پس از انتخاب وی به شهرداری بوشهر رخ داد، نشان داد که موج برکناری های سیاسی تازه به شهرداری بوشهر رسیده است.
به گزارش نسیم جنوب، مهندس آزاد شهرکی در اولین تصمیم مدیریت ستادی خود، اقدام به برکناری مهندس فروزانی نمود که ۱۲ سال در معاونت شهرسازی شهرداری بوشهر مشغول به خدمت بود.
مهندس فروزانی که به جرات می توان وی را الگوی یک مدیر پاک دست، کارشناس زبده و بومی دلسوز و خوش نام در بدنه مدیریتی استان بوشهر دانست، در طی ۱۲ سالی که به عنوان معاونت شهرداری بوشهر مشغول به خدمت بود، بارها از سوی شوراهای مختلف کاندیدای شهرداری بندر بوشهر شد که ضمن نپذیرفتن این پیشنهاد، ترجیح داد تا در بدنه کارشناسی شهرداری به خدمت ادامه دهد.
اکنون و در حالی که انتظار بود که مهندس آزادشهرکی که زمانی به عنوان یکی از معاونین شهرداری بوشهر، در درگیری با شهردار وقت، مورد حمایت مهندس فروزانی قرار گرفته بود، از توان مدیریتی، اشراف بر مسایل شهری و نظرات کارشناسی این مهندس بوشهری برای خدمت به شهروندان و رفع معضلات شهری استفاده نماید، در تصمیمی شتاب زده و سیاسی اقدام به برکناری وی نمود.
در حالی که مهندس آزادشهرکی برنامه محوری را سرلوحه کار خود اعلام نمود، اما برکناری شتاب زده مهندس فروزانی در حالی که سه معاونت مالی اداری، خدمات شهری و عمرانی شهرداری بوشهر با سرپرستی اداره می شود، این ذهنیت را به وجود می آورد که ممکن است اولویت وی قبل از ساماندهی ستاد مدیریت شهرداری، عمل به وعده هایی است که در هنگام اخذ رای به برخی از اعضای شورای شهر بوشهر داده باشد.
این امید وجود داشت که اکنون که یک نیروی فنی و از جامعه مهندسی بر مسند شهرداری بندر بوشهر تکیه زده است، شاهد اهمیت به دیدگاههای فنی و قدر دانستن کارشناسان و ارزش گذاشتن به مهندسان دلسوز و کاربلد باشیم، اما افسوس که گام اول آزادشهرکی زیر فشار برخی اعضای ناراضی شورای شهر بوشهر، بر علیه این تصور برداشته شد.
در این میان معلوم نیست که چرا اعضای آگاه شورای بوشهر همانند برزگر زاده، شمسا، قادریان، بارگاهی، عبداله زاده و... به این راحتی چشمان خود را بر روی حذف مدیران برتر بوشهر در شهرداری بسته اند.
طنز جریان این که بعد از گذشت دوران احمدی نژاد، برکناری های احمدی نژادی که برتری اولویتهای سیاسی و سلیقه ای بر دیدگاه های کارشناسی و قابلیتهای فنی بود، به شهرداری بوشهر رسیده است.

اعتراض به شهردار بخاطر برکناری فروزانی

آزاد شهرکی: من احمدی نژاد نیستم!

شانزدهمین نشست علنی شورای شهر بوشهر با حواشی خاصی همراه بود که واکنش اعضای شورا به برکناری محمد ابراهیم فروزانی معاون شهرسازی و پاسخ های شهردار بخش زیادی از جلسه را به خود اختصاص داد.

قادریان: برای انتصاب معاونین به حرفهای این و آن توجه نکنید!

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ غلامرضا قادریان عضو شورا بعنوان اولین معترض به برکناری فروزانی، سخن گفت و ضمن تبریک به خورشیدیان به دلیل انتصاب به عنوان معاون شهرسازی شهرداری، اظهار داشت: نکته ای که مرا شگفت زده کرد، اقدام جناب شهردار بود که به سرعت به تغییر معاونی دست زد که تقریباً نسبت به دیگر معاونتها کار خودش را انجام می داد.
وی افزود: فروزانی تنها معاونتی بود که حکم رسمی معاونت داشت که آن هم به سرپرستی تبدیل شد، اتفاقی که از یک سال گذشته برای تمام معاونتهای شهرداری بوشهر شکل گرفت.
وی تأکید کرد: بهتر بود شهردار ابتدا سراغ معاونتهایی می رفت که به شکل سرپرستی اداره می شد. نمی خواهم از فروزانی پشتیبانی کنم که البته حق هم، پشتیبانی از ایشان است، چون باید گفت مگر در این شهر چند نفر مثل فروزانی داریم که از تمام ریز و بم کارش اطلاع داشته و دارای مدارج علمی باشند.
عضو کمیسیون عمران شورای شهر گفت: می گویند ما بوشهری ها خودزن هستیم و این هم یکی از خودزنی هاست. البته معتقد نیستم که آقای فروزانی باید تا همیشه در این سمت می ماند، بلکه می گویم به پاس خدمات ارزنده ایشان، اول باید سمتی بالاتر و بهتر در حد و اندازه ایشان تعیین می شد و سپس این جابجایی و تغییر انجام می گرفت.
قادریان با بیان اینکه "این جابجایی ها غیر از دلسرد شدن بچه های بومی هیچ نفعی برای شهر ندارد و نخواهد داشت"، ادامه داد: البته خدای ناکرده قصد کوچک کردن خورشیدیان معاون جدید را ندارم و خودشان هم می دانند که وی را فردی می شناسم که امروز شهرداری با از دست دادن نیرویی مثل فروزانی، شخص دیگری نظیر آقای خورشیدیان را دارد، ولی حرف بنده این است که چرا باید به این سرعت سراغ پست اداری ای برویم که نسبت به بقیه معاونتها خوب اداره می شد و صاحب داشت، ولی امروز هم معاون جدید شهرسازی باید به شکل سرپرستی اداره شود.
وی به عدم دخالت در امورات شهردار تأکید کرد و گفت: هیچ زمانی شخص یا اشخاصی را به عنوان معاون و غیر از آن به هیچ شهرداری معرفی نکرده و نمی کنم، بلکه معتقدم نباید در حوزه اختیار شهردار وارد شد و امیدوارم بقیه همکاران نیز به این مهم پایبند باشند، نه اینکه فقط شعار بدهند.
وی خطاب به شهردار تصریح کرد: برای انتصاب معاونین دقت نمایید و به حرفهای این و آن توجه نکنید، چرا که خود مسئول خواهید بود.

بارگاهی: به تغییر گردشی مدیران معتقدم

الهام بارگاهی، عضو شورا نیز در نطق پیش از دستور خود گفت: فروزانی از کارشناسان زبده شهر و شهرداری بود که طی ۱۲ سال حضور در معاونت شهرسازی شهرداری، منشأ خدمات شایان توجه بود و به عنوان یک سرمایه انسانی



شهر شناخته می شد.
وی افزود: ارتقای کیفی ساخت و ساز، ساماندهی نسبی سیما و منظر شهری و ارتقا جایگاه مطالعات در این حوزه برای غنابخشی به تصمیمات شهرداری از تلاش های ایشان در شهرداری بود.
وی تصریح کرد: تغییر معاونان را حق شهردار می دانم و به تغییر گردشی مدیران معتقدم، اما انتظار می رود از توان وی حداکثر استفاده شود.
بارگاهی در ادامه از شهردار خواست تا در مراسم ویژه ای از خدمات فروزانی تقدیر شود.

اسدی: فروزانی تئوریسین توانمند بومی است

و اما عضو چهار دوره شورای شهر با اشاره به دفاعیات قادریان در مورد فروزانی گفت: اظهارات قادریان حق را درباره فروزانی ادا کرد.
نصراله اسدی خاطر نشان کرد: قرار شد اعضای شورا در عزل و نصبها دخالت نکنند، مگر اینکه مورد مشورت قرار بگیرند.
اسدی با اشاره به توانمندی های علمی فروزانی، او را یک تئوریسین توانمند بومی دانست و گفت: فروزانی قبلاً قرار بود در جای دیگری مسئولیت بگیرد، و امیدوارم با انتصاب استاندار جدید از این نیروی فرهیخته استفاده شود.

اظهارنظر کوتاه رئیس شورا

عبدالخالق برزگرزاده، رئیس شورا پس از استماع اظهارات اعضا در خصوص برکناری فروزانی گفت: همیشه می گویند هرگاه افراد زیادی از تغییر و رفتن فردی ناراحت شدند، به معنای رضایتمندی از زحمات وی است که شاهدیم این اتفاق در شهر و میان برخی اعضای شورا درباره جناب فروزانی رخ داده است.

واکنش آزادشهرکی به اعتراض اعضای شورا

و سپس نوبت به شهردار رسید تا توضیحات خود را ارائه کند. آزاد شهرکی پیش از بیان اظهاراتش خطاب به رئیس شورا گفت: بنده سکوت کردم و شما ۵۰ دقیقه سخن گفتید و اکنون از شما می خواهم تا با حوصله به حرفهایم گوش دهید.
وی همچنین از خبرنگاران خواست تا ضمن حفظ رسالت خبری شان، مطالب را بدون هیچگونه کم و کاستی منتشر کنند.
– به فروزانی اعلام کردم سیستم نیاز به هوای تازه و اندیشه جدید دارد
شهردار خاطر نشان کرد: در جلسه غیرعلنی شورا دفاعیات خودم درباره خورشیدیان و موضوع تغییر معاون شهرسازی و برخی معاونت های دیگر نظیر مالی و اداری را گفتم، اما هیچ کدام نگفتید فروزانی عوض نشود، در حالی که فضا باز بود و می توانستید نظرات خود را بازگو کنید.
آزاد شهرکی در خصوص دلیل برکناری فروزانی گفت: برنامه های جدیدی دارم که احساس کردم فروزانی در جاهای دیگری می تواند به من کمک کند. دو روز قبل از تغییر وی، دو پزیشن مدیرعامل سازمان فناوری اطلاعات شهرداری و مشاور ارشد شهردار در امور شهرسازی را به او پیشنهاد کردم. حتی گفتم که می خواهم برخی میادین از جمله آزادی، انقلاب، امام و هتل دلوار را به مسابقه کشوری بگذارم و شما زیر پر و بال من را بگیرید.
وی ادامه داد: به فروزانی اعلام کردم سیستم نیاز به هوای تازه و اندیشه جدید دارد، شما هم ۱۲ سال در این پست بوده اید و اجازه دهید نیروهای زیردستی هم رشد کنند. فروزانی هم از توانمندی خورشیدیان گفت و این نیروی زیرمجموعه خود را تأیید کرد.
آزادشهرکی گفت: برایم راحت بود از بیرون معاون برای شهرداری بیاورم، اما به توانایی نیروهای شهرداری اعتقاد دارم، به همین دلیل تنها برای معاونت عمرانی در نظر دارم فردی از بیرون شهرداری بیاورم که البته در این خصوص هم نظرم عوض شد، چون برخی دوستان در شهرداری خواهش کردند از نیروهای مجموعه استفاده کنم.
آزادشهرکی با بیان اینکه فروزانی ۱۲ سال در این مسئولیت بوده و باید اجازه دهیم فرد دیگری بیاید، افزود: طبق اصول مدیریتی، تغییر و تحولات ۴ ساله می باشد.
وی افزود: قصد تثبیت مهندس چارکی مدیرعامل سازمان فناوری اطلاعات در پست معاونت اداری مالی شهرداری را دارم، که البته خودش موضوع ادامه تحصیل را مطرح کرده است.
وی اظهار داشت: فروزانی در پاسخ به پیشنهادات من گفت مدتها پیش می خواستم از شهرداری بروم، اما با رفتن آقای توسلی در مخمصه افتادم و سرپرستی شهرداری را برعهده گرفتم.
شهردار بوشهر با بیان اینکه "فروزانی از بنده درخواست هائی داشت که اگر دشمن ایشان بودم، این پوئن ها را ازش می گرفتم، ادامه داد: ایشان به بنده گفتند اگر اشکالی ندارد از منزل سازمانی مربوط به شهرداری، اتومبیل و خط موبایلی که شهرداری هزینه آن را می دهد استفاده کند و بنده نیز قبول کردم. اما من به عنوان شهردار در واحد آپارتمانی زندگی می کنم. هنوز هم نتوانسته ام ماشین برای آقای خورشیدیان معاون جدید شهرسازی فراهم کنم.
آزادشهرکی به مطلب منتشر شده در یکی از سایتهای محلی پس از برکناری فروزانی اشاره کرد و گفت: یکی از سایتها پس از تغییر فروزانی نوشته بود "موج تغییرات احمدی نژادی به شهرداری رسید"، در حالی که باید بگویم احمدی نژاد حرمت افراد را نگه نمی داشت و متکی وزیر خارجه را در حین مأموریت عزل کرد.
شهردار گفت: بنده برای فروزانی مراسم تودیع گرفتم و سفارش کردم یک دست پارچه کت و شلوار از جنس اعلا برای وی بگیرند و در آن مراسم هم صورت وی را بوسیدم. آیا این روش برکناری احمدی نژادی است؟! نمی دانم این بی انصافی ها را به کجا باید ببرم. همه اعضای شورا نیز تلفن فروزانی را دارند و می توانند همین الان با او تماس بگیرند و در خصوص موارد مطرح شده ازش بپرسند.
وی در ادامه به سیاسی جلوه دادن تغییرات در شهرداری از سوی برخی رسانه ها اشاره کرد و گفت: تنها چیزی که در تغییر فروزانی مدنظرم نبوده، مسایل سیاسی بوده، چون می خواهم به عهدم در روز معارفه که قول دادم سیاسی کاری نکنم، پایبند باشم. امروز هم با وی مشکلی ندارم و امیدوارم در دولت جدید ایشان را در جایگاه استاندار و مدیرکل ببینم.
آزادشهرکی افزود: یکی دیگر از سایتها عزل منصوری مدیر ستاد هماهنگی حفاری شهرداری را به بنده ارتباط داد، این در حالیست که بی انصافی کردند، چون آن زمان من هنوز در شهرداری مستقر نشدم و شخص دیگری سرپرست شهرداری بود.
– دفاعیات به جلسه غیرعلنی کشیده شد!
رئیس شورا در واکنش به اظهارات شهردار که خطاب به اعضای شورا گفت "چرا آن موقع در مورد برکناری فروزانی نظری ندادید؟"، گفت: تغییر معاونان در حوزه اختیارات شماست، ولی بنده به نمایندگی از برخی اعضای شورا و نه درخواست شخصی، گفتم به دلیل توانمندی های فروزانی، در تغییر وی تأمل کنید.
عبدالخالق برزگرزاده اضافه کرد: نمی خواستم بر اظهارات شما توضیحی اضافه کنم، ولی چون گفتید ۱۱ عضو شورا درباره تغییر معاون شهرسازی چیزی نگفتند، باید یادآور شوم ضمن احترام به تصمیم شما، گفتم برخی اعضای شورا نظرشان این است که بیشتر تأمل کرده و بعد تصمیم گیری کنید.
برزگرزاده ادامه داد: اظهارات آقای آزاد شهرکی به گونه ای بود که می خواست اعضای شورا را محکوم کند، از این رو به وی یادآوری کردم که نظر برخی اعضاء را به او اعلام کرده ام.
در حالی که آزادشهرکی خطاب به برزگرزاده گفت "شما به نقل از برخی اعضای شورا گفتید فروزانی گفته مهلت دهید تا جایی مسئولیت پیدا شود"، اما برزگرزاده پاسخ داد: جناب آزادشهرکی، اصلاً اینطور نگفتم و تعجب می کنم شما که سالها مدیر بوده اید، اینگونه موضوع را بیان می کنید.
پس از داغ تر شدن مباحث مطرح شده، بنا به درخواست رئیس شورا جلسه غیرعلنی شد و قرار شد تا با خروج خبرنگاران برزگرزاده توضیحات بیشتری را ارائه کند.

جوابیه معاون سابق شهرسازی شهردار بوشهر

در حالیکه در نشست علنی شورای شهر بوشهر (یکشنبه ۵ آبان) شهردار در واکنش به اعتراض چند عضو شورا مبنی بر برکناری محمد ابراهیم فروزانی از سمت معاونت شهرسازی شهرداری مطالبی را بیان نمود، اما فروزانی با ارسال جوابیه ای بخشی از اظهارات آزاد شهرکی را تکذیب کرد.

فروزانی: تمرکز و التفات خود را به امور شهر معطوف کنید

فروزانی با ارسال جوابیه ای کوتاه موضوع مطرح شده در جلسه شورا را تکذیب کرد.
در جوابیه معاون سابق شهرسازی شهرداری که از سوی "اصغر گورکی" منشی شورا قرائت شد، آمده است: در جلسه روز یکشنبه پنجم آبان ما ۱۳۹۲ آن شورای محترم، در مورد اینجانب در حضور اهالی محترم رسانه های عمومی مطالبی گفته شده که بعضاً غیرواقع و خلاف شأن عمومی و علنی شورای بندر تاریخی و فرهنگی بوشهر می باشد.
بدینوسیله ضمن تکذیب طرح هرگونه درخواست برای استفاده از امکانات اداری و امتیازات ویژه، به عنوان یک شهروند بوشهری با تشکر از محبت همه دوستان، از همگی اعضای گرامی شورا و شهردار محترم، تقاضامندم تمرکز و التفات خود را به امور شهر معطوف نمایند تا حاشیه ها بر متن کار توسعه و آبادانی غالب نگردد.
به امید آنکه در فضائی آرام و سرشار از اعتدال و عقلانیت موفق و پیروز باشید.
ما آزموده ایم در این شهر بختِ خویش/ بیرون کشید باید از این ورطه رَختِ خویش

آزاد شهرکی: فروزانی امکانات شهرداری را که در اختیار دارد به شهرداری عودت دهد

این جوابیه در حالی قرائت شد که شهردار هنوز در نشست علنی شورا حضور نیافته بود.
و اما شهردار با حضور در نشست علنی شورا و پس از مطلع شدن از جوابیه معاون سابق شهرسازی، گفت: مطلع شدم که آقای فروزانی با ارسال جوابیه ای موضوعات مطرح شده را تکذیب کرده، که بنده دیگر مایل نیستم در این مورد ادامه دهم و ایشان را به خودش و وجدانش واگذار می کنم.
آزاد شهرکی تصریح کرد: اگر ایشان چنین درخواستهائی از بنده نداشته است، ایراد ندارد، منطق ایجاب می کند که وسایل و امکاناتی را که از شهرداری نزد ایشان است به شهرداری عودت داده شود؛ چرا که با هماهنگی بنده نبوده است.

مقاله
شماره ۷۱۶- یک شنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

سرمایه های انسانی استان بوشهر را پاس بداریم

دکتر پرویز حاجیانی



بوشهر استان کوچکی از کشور عزیزمان ایران است ولی می تواند سرمایه ساز باشد. بدین منظور باید برنامه داشت. وقتی برنامه ها با ویژگی های فرهنگی و خصلت های جنوبی - نجابت، خونگرمی، صمیمیت، تحمل و سادگی- در هم می آمیزد، سرمایه انسانی متولد شده و تبدیل به یک انسان بزرگ، با ظرفیت و اثرگذار می شود. بزرگ مردمانی که در این دیار کم نبوده و نیستند.

وقتی دانایی و اراده و خواست هر دو در انسان ذخیره می شود او تبدیل به سرمایه انسانی می شود. سرمایه انسانی مجموعه دانش ، مهارت ها و استعدادها و تحصیلاتی است که ما در طول سال ها کسب کرده ایم. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۷ سرمایه انسانی را ثروت مولد و مجسم در کار، مهارت و دانش معرفی کرده است. در مجموع می توان گفت سرمایه انسانی قابلیت ها و ظرفیت انسانی است که تحت تاثیر آموزش ها، بهداشت و ... رشد یافته و او را تبدیل به انسانی با کفایت ، با دانش، ماهر و شایسته کرده تا با استفاده از این ویژگی ها تولید ایده ، کالا و خدمت نماید.

با نگاهی به آمار و اطلاعات روشن می شود که در کل جهان در حدود ۶۴ درصد از کل ثروت موجود بشر ثروتی است که در انسان ها ذخیره شده است (سرمایه انسانی) و در کشورهایی مانند آلمان، ژاپن و سوئیس که بالاترین سرمایه های فیزیکی را دارند باز هم به نسبت، سرمایه انسانی ۸۰ درصد از ذخایر ثروتی جامعه را در خود ذخیره کرده است.

در مجموع از ۶۳ کشور صادر کننده مواد خام (عمدتا جهان سومی) با برخورداری از ۳۶ درصد منابع انسانی، ۲۰ درصد امکانات فیزیکی، و ۴۴ درصد منابع طبیعی، فقط ۶/۴ درصد از تولید ثروت جهانی را دارا می باشند و ۱۰۰ کشور در حال توسعه از جمله ایران نیز با ۵۶ درصد منابع انسانی، ۱۶ درصد امکانات فیزیکی و ۲۸ درصد منابع طبیعی حدود ۹/۵ درصد از ثروت جهانی را به خود اختصاص داده اند و در نهایت ۲۹ کشور صنعتی توسعه یافته با ۶۷ درصد منابع انسانی و ۱۶ درصد امکانات فیزیکی و ۱۷ درصد منابع طبیعی بیش از ۷۹/۶ درصد از تولید ثروت جهانی را از آن خود کرده اند.

کوزنتس (برنده جایزه نوبل اقتصاد ۱۹۷۱) در مطالعه خود نتیجه می گیرد که در دوره مطالعه عایدی (منافعی) که سرمایه انسانی نصیب جامعه آمریکا کرده ۱۵۵۰ برابر عایدی سرمایه های فیزیکی بوده است.

همه این آمارها نمایانگر نقش بی بدیل سرمایه انسانی در رشد و توسعه کشور ها می باشد. بطوریکه بسیاری از اقتصاد دانان محور رشد در نظام جدید جهانی را سرمایه انسانی می دانند.



سرمایه انسانی به راحتی حاصل نمی شود. به منظور ایجاد این سرمایه باید برنامه داشت، باید سرمایه گذاری کرد، بایستی استعدادها را شناخت و رشد داد. نیاز به آموزشهای هدفمند و تامین اجتماعی مناسب است و اگر این سرمایه شکل گرفت کیفیت زندگی را به همراه دارد.

از منظری دیگر، هر جامعه ای در مسیر رشد و پیشرفت خود، به چهار گروه سرمایه به منظور ایجاد یک چارچوب و یک فرایند اثر گذار نیاز دارد. سرمایه سیاسی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فنی و سرمایه علمی.

سرمایه سیاسی امور جامعه را به خوبی مدیریت می کند. سرمایه علمی و دانشمندان مبانی علمی جامعه را پی ریزی می کنند. سرمایه اقتصادی افقهای اقتصادی را در پیش و روی جامعه باز می کند و سرمایه فنی مبانی فنی و تکنولوژیکی جامعه را در می اندازد.

وقتی این چهار گروه سرمایه در مصدر امور مردم قرار می گیرند، سیاست ها به خوبی ریخته می شود، دانش با فناوری به خوبی در می آمیزد و اقتصاد و کسب و کار جان می گیرد و کیفیت زندگی مردم دگرگون شده و خوشبختی واقعی حاصل می گردد.

انسانی که تبدیل به سرمایه علمی، سیاسی ، اقتصادی و فنی می شود ویژگی هایی در او متبلور می شود. او استقلال فکر دارد، آزادی اندیشه را محترم می شمارد، خلاقیت و تفکر در او نهادینه می شود. او کارآفرین است، همواره در حال آموختن و یاد دهنده است، او خود کنترل است و بر خود نظارت می کند، کمال جوست و آرمان او رسیدن به کمال است.، ثبات عاطفی دارد و از هیجانات زود گذر می پرهیزد، چشم انداز دارد و آینده را می بیند و هدف و استراتژی روشن دارد، تخصص گراست و کارها را بر اساس سعی و خطا انجام نمی دهد و همواره تلاش در افزایش کیفیت زندگی خود و جامعه دارد و در این مسیر از هیچ کوششی دریغ نمی ورزد.

هر سرمایه انسانی در مسیر ترقی خود در طبقه ای قرار می گیرد، برخی تمام مسیر را رفته و برخی در طول این مسیر ره می سپارند.

در اینجا جا دارد چنین انسان هایی با این ویژگی های ممتاز و برتر را شناخته، پاس داشته و بر صدر نشانده، تا او نیز دیگر مردمان را در مسیر زندگی همراه و هدایتگر باشد.

آیا این سرمایه گان انسانی در استان بوشهر به خوبی شناخته می شوند؟ آیا به آنها بها می دهیم؟ آیا در احترام به آنها همدلیم؟

تا زمانی که به سرمایه های خود قدر و ارج ندهیم و تا زمانی که آنها را به الفاظ نامرتبط برانیم و تا زمانی که خود به آنها احترام نگذاریم و تا زمانی که خود آنها را به انواع صفات متهم سازیم و تا زمانی که آنها را جذب نکنیم، نمی توان انتظار بهبود و پیشرفت داشت. نمی توان انتظار فردای بهتر را داشت. امروز هستند چه بسیار سرمایه هایی که در حوزه های مختلف دین، فرهنگ و هنر، علم، مدیریت، اقتصاد ،کارآفرینی و ... که یا آنها را فراموش و یا آنها را طرد کرده ایم و یا خوشبینانه برنامه و طرحی روشن در جهت حمایت از آنها نداشته ایم.

به عنوان مثال (یک از هزار) برای رییس علی دلواری، شهید عاشوری، مهدوی و گنجی، منوچهر آتشی، حاج علی مرادی و .... از گذشتگان چه کرده ایم و آنها را به نسل جدید چگونه معرفی کرده ایم؟

سرمایه های زنده را چقدر ارج نهاده ایم؟ چه بسیارند که در اثر کم لطفی و بی توجهی ما در گوشه ای از این عالم خاک روزگار می گذرانند. در اینجا به یک مورد اشاره می کنم، باشد که درسی گیریم.

هم اکنون در استان تب انتخاب استاندار داغ است. گزینه ها همه سرمایه های استانند، ولی جایگاه مهندس تبادار کجاست؟ کسی که در دوره صدارت ۳ سال و اندی استانداری بوشهر منشا برکات زیادی به نسبت تمام استاندارانی که تاریخ بوشهر تا کنون به خود دیده و به اذعان همه کسانی که دلشان برای بوشهر می تپد، بوده است. مگر از نظر سرمایه مدیریتی چند نفر بوشهری در سراسر کشور وجود دارند؟ چگونه است مردی چون تبادار که بسیاری از ویژگی های سرمایه مدیریتی را به طور ممتاز دارد مورد بی مهری قرار می گیرد. به جرات می توان گفت: تبادار یک مدیر ملی است که باید کشور از خدمات او در سطح وزارت استفاده کند. اما در بوشهر علیرغم رضایت مردم از عملکرد ایشان، بوسیله ما!!! مورد بی مهری قرار می گیرد. چرا؟

و در آخر تا نیاموزیم به سرمایه های خود احترام بگذاریم و زمینه پیشرفتشان را فراهم نماییم و دستشان را بگیریم نمی توان امید توسعه و تعالی و زندگی بهتر را داشت و سرمایه هایمان یا می روند و آنها که می مانند از شر ما به گوشه ی عزلت پناه می برند.

منابع:
۱- نقش تاثیر گذار سرمایه انسانی در سرمایه ایرانی-علیرضا کتابی
۲- دنیای اقتصاد، مصاحبه با استیون هورویتز۳
- نقش توسعه منابع انسانی در توسعه عدالت اجتماعی، منصور خلیلی،۱۳۸۶

نگاهی به یک اظهارنظر

استاندار سابق هرمزگان؛ واقعیتی را گفت، حقیقتی را نگفت

رضا معتمد



موضوع الحاق بخشی از استان هرمزگان به فارس برای این که حضرات فارسی به آرزوی دیرینه خود که همانا پیوستن به دریا است برسند، با واکنش اعتراض آمیز و به حق مردم استان هرمزگان مواجه شده است و ظاهراً دامنه این اعتراضات در حال گسترش است تا جایی که نمایندگان هرمزگان در مجلس تهدید کرده اند در اعتراض به این موضوع استعفا می دهند.

اما یکی از نکات جالب توجه در این مورد گفته های حسین هاشمی تختی، استاندار سابق هرمزگان و معاون سیاسی امنیتی اسبق استانداری بوشهر است که در گفت و گو با یک رسانه محلی هرمزگان با اشاره به سابقه موضوع گفته است: «موضوع دسترسی به آب های آزاد که به عنوان توجیه از سوی استان فارس مطرح شده، ابتدا از مسیراستان بوشهر پیگیری شد اما با مقاومت مردم و نمایندگان بوشهر در برابر جدایی بخش هایی از پارس جنوبی ، این موضوع منتفی شد و آنها را به سوی هرمزگان سوق داد.»

استاندار سابق هرمزگان در این مورد نکته به حقی گفته است. بیش از ۲۰ سال است که فارسی ها برای رسیدن به خلیج فارس از طریق بوشهر تلاش کرده اند اما در تمام این بیست سال مقاومت مردم و برخی از نمایندگان باعث شده تا این تلاش ها ناکام بماند.

اما جای یک نکته در سخنان استاندار سابق خالی است و البته لازم هم نیست که این نکته از زبان وی بیان شود و آن نکته این است که همه مقاومت هایی که از سوی اقشار مختلف مردم و مسئولان استان بوشهر صورت گرفت، مرهون آگاهی بخشی رسانه های مختلف استان و به ویژه مطبوعات محلی بوده است که در هر زمانی به محض اطلاع از کمترین تحرک مسئولان استان فارس موضوع را در ابعاد وسیع پوشش می دادند و با گسیل افکار عمومی، مسئولان را نیز برای جلوگیری از موفقیت تحرکات فارسی ها آگاه و تحریک به پیگیری می کردند.

در نتیجه می توان گفت اصلی ترین مانع در راه توفیق حضرات فارسی و جلوگیری از جدایی بخش هایی از استان بوشهر، رسانه های محلی بوده اند هر چند که در پاره ای موارد از طرف مسئولان وقت استان به بزرگ نمایی موضوع و حتی نشر اکاذیب هم متهم می شده اند.

طبیعی است که استاندار سابق هرمزگان خروجی این تلاش ها را در عملکرد مسئولان و نمایندگان دیده است و در مقابل می توان گفت که شاید اگر چنین تحرک و حساسیت رسانه ای در استان هرمزگان نیز ایجاد می شد و مسئولان و نمایندگان آن استان در برابر این زیاده خواهی آشکار فارسی ها به تحرک و مقاومت جدی وادار می شدند، شاید این اتفاقی که در بخش انتهایی استان هرمزگان رخ داده است، به وقوع نمی پیوست.

از این جاست که باید به نقش آگاهی دهنده و تلاش هوشیار کننده رسانه های استان پی برد و قدر این تلاش ها را دانست و انتظار داشت مسئولان محترم استانی به این تلاش ها و اقدامات مشابه در آینده، با حسن ظن بنگرند و از آن استقبال کنند و نیش و گزندهای رسانه ها را که مانع از خواب غفلت می شود نوشی شفا بخش تلقی کنند.

بیانیه شماری از خانواده های شهدا در حمایت از استانداری تبادار

شماری از خانواده های شهدا و ایثارگران در شهرهای استان خواستار انتخاب اسماعیل تبادار به عنوان استاندار بوشهر شدند.

متن این نامه به شرح زیر است:

بسم رب الشهدا و الصدیقین



خداوند سبحان را شاکریم که از میان خلق، روزگار ما را برگزید تا با گرفتن جان عزیزترین نزدیکان مان، ایمان و اعتقاد قلبی را به آزمون و ایستادگی و استقامت ما را به پای انقلاب شکوهمند ایران اسلامی نظاره گر باشد.

و خدای را شاهد می گیریم که هیچ گاه و به هیچ قیمتی حاضر به گذشتی هرچند ناچیز از ارزش ها و آرمانهای انقلابمان که ثمره خون عزیزمان می باشد نشده ایم و هرگاه پیامی داده و یا کلامی را تایید و یا رد کرده ایم، فقط رضای خدا، خوشنودی امام زمان (عج) و مصالح انقلاب و رهنمودهای رهبر بزرگوارمان را مد نظر داشته ایم.

اینک و در این برهه از زمان که انقلاب در مسیر تکاملی خویش و بر اساس استفاده از مدیران کارآمد قرار گرفته است و بناست مدیر ارشد استان انتصاب گردد، ما شماری از خانواده های شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی در استان بوشهر بنا به وظیفه انقلابی و ایمانی خود، حمایت خویش را از برادر بزرگوار مهندس اسماعیل تبادار اعلام می کنیم که عمری را به خدمت مردم پرداخته و آزمون خوبی در عمران و آبادانی این استان داشته و رسیدگی به امور شهدا و ایثارگران را در دوران مسئولیتش در سرلوحه کار خویش قرار داد.

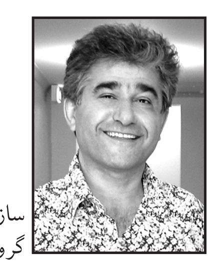
امید که دولت تدبیر و امید با شناخت دقیق از فضای استان بوشهر و نیازی که به حضور یک نیروی شایسته بومی در راس مدیریت ارشد استان احساس می شود، به انتخاب استاندار اقدام نماید.

(امضاهای این نامه در دفتر نسیم جنوب موجود است)

بازار خونین فینه دوزان عثمانی درسوریه (۲)

سوریه ای که به خون نشست

دکتر محمود دهقانی



سازمان های مسلحی که شمارشان به بیش از ۱۷ گروه می رسد هریک روشی جداگانه برای مبارزه با دولت مرکزی سوریه دارند. جبهه النصره، لواء التوحید، کتائب احرار شام، احرار سوریه، کتیبه السلطام محمد، لواء حلب الشهباء الاسلامی، حرکه الفجر الاسلامیه، درع الامه، لواء عدنان، کتائب الاسلام، لواء جیش محمد، لواء النصر، کتیبه الباز و لواء درع الاسلام همگی از گروهائی هستند که پیشتراعلام موجودیت کرده اند. روزنامه الاهرام در زمان ریاست جمهوری محمد مرسی بر مصر از ۳ گروه جبهه النصره، لواء التوحید و کتائب احرار شام به عنوان بزرگترین گروه هایی یاد کرد که این گروه ها در شمال سوریه در حال درگیری با ارتش بودند. واشنگتن پست نیز در گزارشی به معرفی گروه هائی پرداخت که آن ها از گروه های نظامی غیرسوری هستند و تفکرات مذهبی دارند و از روش‌های سازمان القاعده استفاده می کنند.

در این بازار خونین، کشور ایالات متحده امریکا که در دهه های نخست قرن بیستم اعلام می کرد کاری به کار کشورهای جهان ندارد و ابر قدرت شدنش مدیون دوری از جنگ بود، در دهه های نخست قرن بیست یکم خود را به عنوان ابرقدرت و ژاندارم جهان می داند. سازمان مللی را که پس از جنگ جهانی دوم برای درنغلتیدن کشورها در دامان خود خواهی و یکه تازی و دوری از جنگ و خونریزی بنیاد شده بود به گونه ای درآورده تا با آن دمار از روز و روزگار کشورهائی درآورد که دیکته های او را بر نمی تابند. شواهد خونریزی های کنونی در همه کشورهای خاورمیانه از جمله عراق و افغانستان و درگیری ایالات متحده در این جنگ ها نشان می دهد که چندان دلواپس دمکراسی نیست چرا که از دیکتاورهای سنتی برای جنگ در کشورهائی چون عراق، افغانستان و سوریه کمک می گیرد تا بحران مالی را سر و سامان دهد. دیکتاتورهای قرن بیست و یکم در برخی از کشورهای خاورمیانه برای امریکا دیکتاتورهای متمدن هستند، تنها کسانی بی تمدن اعلام می شوند که حرف ایالات متحده امریکا را نمی شنوند!

در این خصوص روشنفکران و نویسندگان بشر دوست در خود ایالات متحده امریکا بیشتر از هر کسی افشاگری کرده اند و نیازی به بازگوئی آن ها نیست. یک شبه سلطانی را می برد و فرزند حرف شنو تر آشنا با بازی جنگ "نینتندو" را به جایش می نشاند ۱. نئو عثمانی های ترکیه را از هول حلیم و نماز در مسجد اموی، در دیگ سیاسی می اندازد و آن چنان به خواب خرگوشی فرو می کند که این نئوعثمانی ها فراموش می کنند روسیه چند مرتبه در درازنای تاریخ به آن ها حمله کرده و حالا که شکست سوریه را شکست خود می دانند در گوشمالی نئوعثمانیان ناشی این روزگار نیز دست روی دست نخواهند گذاشت و از سوئی متحدان روسیه که سرنوشتشان در



این برهه از زمان به هم پیوند خرده است اقتصاد ترکیه را با چرخش سیاسی به ورطه خواهند انداخت. از سوئی کردها با ۲۰ میلیون جمعیت در کشور ترکیه و قسمت هائی که در ایران و سوریه و عراق قرار دارند نیز می توانند حرکتی را آغاز کنند که دیر یا زود مزه شکر آب شده در کام سران نئوعثمانی را تلخ خواهد کرد.

روزگاری شادروان تورگوت اوزال پشت سر علی اکبر هاشمی رفسنجانی در سفر به ایران، در نماز جمعه تهران نماز خواند. رسانه های ترکیه سر به نکوهش برداشتند که رفته ای پشت سر یک فارس شیعه نماز خوانده ای؟ تورگوت اوزال گفته بود: تنها پیش نماز فارس بود اما نمازگزاران همه ترکان ایرانی بودند و آب سردی بر سر و روی خبرنگار ریخت. شادروان بلند اجویت نیز در پاسخ به روزنامه نگاری تندرو در ترکیه گفته بود اسم من بلند اسمی فارسی است و اسم همسرم رخشان هم فارسی است به من بگو ما با چه کسانی روبرو هستیم؟ او به سران دولتی هشدار داده بود وارد کازار با ایرانیان نشوید و جانب احتیاط نگه دارید. به امریکائی ها هشدار داد که عثمانی ها هم در گذشته چاره ایرانیان نکردند. حرف های این دو سیاست مدار که نامشان در تاریخ ترکیه به نیکی و همراه با دانش سیاسی ثبت شده، خود علاقه قلبی فرهنگی مردم کشور همسایه ما ترکیه را در قلب مردم ایران نیز به ثبت رسانده است.

با این چکیده آشنائی با روزگار تاریخی سوریه و همسایگان آن، در روزگار کنونی که این کشور عربی جنوب آسیا در سواحل شرقی مدیترانه از شمال با کشور ترکیه، از شرق با کشور عراق و از غرب با کشور لبنان و از جنوب با کشور اردن و کشور اسرائیل همسایه است، با تمدن دیر پای خود دچار جنگ داخلی و فشار آتش بیاران معرکه برخی از کشورهای عرب دلواپس تخت های متزلزل خود و برخی از کشورهای اروپائی و در راس همه آن ها ایالات متحده امریکاست.

پایتخت سوریه دمشق و شهرهای مهم آن حمص، درعا، حماه ، حلب و دیر الزور است. در این شهرها بجز قسمت های مسیحی نشین و علوی و شیعه نشین، گروه هائی که عمدتا با پول های قطر و عربستان می جنگند به دسته های کوچک تقسیم و پراکنده در حال نبرد هستند. در راس همه این دسته و دستک ها سازمان القاعده و جبهه النصر نیز قرار دارند. این گروه ها که از کشورهای مختلف جهان بوده و گزارشاتی نیز از وجود برخی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در میان آن ها در نشریات چپ و غیر چپ ایرانی دیده می شود، جولانگاه دسته ها با مذاهب مختلف است اما چپ سنتی پیکار جوی انقلابات پیشین و پیش رو در جهان، نگرشی بسیار متفاوت از این گروه ها دارد و نه تنها خود را درگیر نکرده بلکه از نظر تئوری نیز خود را مخالف این گروه هائی که در سوریه می جنگند می پندارد چرا که تجربیات تاریخی و نمونه هائی در تونس و مصر و لیبی نشان داده است پیروزی تندروهای مسلمان می تواند آینده ای بسیار خطرناکتر از سوریه اسد برای منطقه و جهان، به بار آورد و حتا یهودیان را نیز با خطر جدی روبرو نماید. شواهد چنین می نماید که امریکا و اسرائیل نیز این حقیقت را به گونه ای دریافته اند. اینک هر چند درگیری در سوریه بشدت خود باقی است اما در پشت درهای بسته نیز بازیگران منطقه ای و جهانی مشغول کار سیاسی شده اند تا شاید با ورود به سال ۲۰۱۴ میلادی که موعد انتخابات ریاست جمهوری در سوریه است بازی را به گونه ای آغاز کنند. البته اگر روند حوادث شتابزده همه چیز را درهم نشکند.

از میان همه دسته ها و دستک های درگیر در جنگ داخلی سوریه، در راس همه سلفی ها و اخوان المسلمین برجسته ترین این گروه ها هستند که از برخی از کشورهای عرب آمده و به سوی کارزار مرگ و نابودی در سوریه سرازیر شده و با پول ها و اسلحه هائی که در اختیار دارند، با ارتش منسجم سوریه وارد جنگ شده اند. در این جنگ هر چند که زیر ساخت های سوریه نابود می شود اما باعث مرگ عظیم دسته های جهادی که غرب از آینده پیروزی تمام و کمال آن در هراس است نیز، می انجامد.

از بدو درگیری ها، دولت سوریه، ارتش قدرتمند خود که گفته می شود در خاورمیانه یکی از ارتش های با ابزار پیشرفته است را تمام و کمال وارد میدان نکرده است. این جنگ هر چه باشد بعید به نظر می رسد بدون کار سیاسی و فقط با ابزار و اسلحه بتواند حقی را به گروه های درگیر حکومتی و غیر حکومتی برساند. اما از سوئی بخوبی توانسته است در بزنگاه تاریخ، برادر کشی را در خاورمیانه برای آتش بیاران معرکه و استعمار اروپائی بر پا نماید. دود کنده این جنگ بی محاسبه پس از پایان آن به چشم اروپا وطرفداران اروپائی جنگ نیز دیر یا زود خواهد رفت.

بیشتراز آینده پر خون آن، حکایت درگیری در سوریه با موقعیت استراتژیکی آن در خاورمیانه به تضاد سر برون آورده بده بستان های سیاسی و اقتصادی و تب و لرز آن به جان جهان سرمایه داری نیز رنگین تر سرایت خواهد کرد. همه روشنفکران و کسانی که با الفبای سیاسی آشنائی دارند جنگ داخلی سوریه را حرکت سرمایه داری بسوی تضعیف و از پا درآوردن سیستم ها و اقتصاد کشورهائی از جمله روسیه و چین و ایران می دانند و نشانه ها نیز جز این نبوده و نیست و قیل و قال دمکراسی و حقوق بشر متاسفانه دیگر حنایش در میان مردم جهان رنگ باخته است. با سر برون آوردن دسته ها و گروه ها و کشورهائی از جمله بریکس و سازمان شانگ های و غیر متعهدها، عرصه بر امریکا و اروپا تنگ تر شده است.

هر چند تحلیل در مورد پیروزی درگیران در این زورآزمائی کار ساده ای نیست اما درک این موضوع شاید سخت نباشد که اروپا و امریکا اگر هم بازنده اصلی این کارزار نباشند، برنده تمام و کمال آن نیز نخواهند بود. از نمای این گستره شاید باور این به دور از ذهن نباشد که امریکا و اروپا پس از پایان جنگ سرد وارد چالش عظیمی شده اند که راهی ندارند مگر آن که برخی از ناکامی ها و شکست خود را در این نبرد نیز پذیرا باشند.

پانوشت:۱ - بازی "نینتیندو" یک بازی کامپیوتری یا به قولا "آتاری" هیجانی وجنگی است که میان نوجوانان طرفدار دارد

نارضایتی ادب دوستان بوشهری از ادامه فضای بسته فرهنگی در بوشهر

در طی یک هفته اخیر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان از برگزاری دو محفل ادبی ممانعت به عمل آورد.

به گزارش«سایت فرهنگی و هنری نیم دری» ؛ لغو برنامه های ادبی در استان یکی پس از دیگری موجی از نارضایتی ادب دوستان بوشهری را در پی داشته است.

چهارشنبه اول آبان ماه قرار بود شب شعر «هوای تازه» با حضور شاعران هم استانی در سالن اجتماعات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شود که در اقدامی قابل تامل و به دلایل نامعلوم، اداره فرهنگ و ارشاد از برگزاری این شب شعر جلوگیری به عمل آورد.

پس از لغو شب شعر هوای تازه ، برنامه ادبی دیگری در دشتستان که تمامی هماهنگی های آن قبل از برگزاری انجام شده بود نیز به دستور اداره فرهنگ و ارشاد برازجان لغو شد.

مراسم بزرگداشت مولوی که قرار بود روز سه شنبه ۷ آبان در برازجان برگزار شود، علیرغم مجوز از نهاد هنری یک روز قبل از زمان برگزاری ممانعت به عمل آمد.

گزارش ها حاکی از آن است که باقری رییس فرهنگ و ارشاد برازجان برای در اختیار گذاشتن مکان این مراسم از برگزار کنندگان این محفل ادبی درخواست نامه از یک نهاد هنری می کند که پس از ارائه مجوز از یک نهاد هنری، وی از موضوع این بزرگداشت متعجب شده و با برگزاری آن مخالفت می کند.

به گزارش «نیم دری»؛ دعوت از شاعران هم استانی و هموطن آیینی و انقلابی برای حضور در این محفل ادبی هم صورت گرفته بود و اینگونه برخوردهای بدون توجیه مدیران اداره فرهنگ و ارشاد استان بوشهر موجی از نارضایتی های شاعران و ادب دوستان را به دنبال داشته است و ادب دوستان بوشهری خواستار برخورد قاطع با حرکات سلیقه ای در استان شده و از وزیر ارشاد دولت تدبیر و امید تقاضا دارند هرچه سریعتر امید را به هنرمندان و ادب دوستان استان همسایه خلیج فارس برگرداند.

اولین جلسه انجمن پیشکسوتان تجسمی حوزه هنری

اولین نشست جمعی از پیشکسوتان تجسمی این حوزه در سالن اجتماعات برگزار گردید .

در این جلسه که به همت واحد هنرهای تجسمی برگزار شد ، مباحثی همچون شناسایی و کشف استعدادهای پیشکسوتان و جوانان ، ارتباط تنگاتنگ و مستمر با نهادهای مرتبط همچون مدارس و دانشگاه ها ، همچنین برگزاری کلاس های تئوری هنر توسط اساتید مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت . همچنین در این جلسه ، نظراتی درباره ایجاد یک فضای کارگاهی بصورت آزاد در اختیار پیشکسوتان و هنرمندان ، توسط حاضرین در جلسه ارائه گردید .

افتتاح نمایشگاه « ماه به آهنگر خانه می آید»

نمایشگاه « ماه به آهنگر خانه می آید» از آثار زنده یاد شهمار حسن پور در دبیرستان سعادت افتتاح گردید.

به مناسبت اولین سالگرد زنده یاد شهمار حسن پور مراسمی در بخش تاریخی دبیرستان سعادت برگزار شد. نمایشگاه عکس (ماه به آهنگر خانه می آید) از آثار زنده یاد شهمار حسن پور همراه با سخنرانی دکتر حمیدی و حسین دهقانی و شعر خوانی امید غضنفر در دبیرستان سعادت از برنامه های این افتتاحیه بود. این نمایشگاه از شنبه ۱۱ الی ۱۷ آبان ماه از ساعت ۱۷ الی ۲۲ در دبیرستان سعادت دایر خواهد بود.

محسن نوشزاد هنرمند موسیقی محلی بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

سنج و دمام جز لاینفک موسیقی بوشهر است



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید؟

– محسن نوشزاد هستم متولد ۱۳۵۸ و لیسانس حسابداری و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت ، نوازندگی سازهای موسیقی بوشهر را با سازهای ضربی بوشهر از سال ۱۳۷۱ در قالب گروه های موسیقی بوشهر آغاز نموده ام.

– از چه سالی به موسیقی کشیده شدید و چگونه شد که به سازهای ضربی روی آوردید؟

– از سال ۶۸ کلاس پنجم دبستان بودم که برادر بزرگم (محمدرضا نوشزاد) که خودش فعالیت آهنگسازی و نوازندگی و مربی گروه های موسیقی دانش آموزی را به عهده داشت من را به آن گروه ها دعوت کرد و باعث علاقه من به موسیقی شد. ضمن اینکه خونه ما همیشه محل تمرین موسیقی بود و صدای سازها من رو ترغیب کرد که به موسیقی نگاه ویژه ای داشته باشم و برای شروع به فرمهای انگشت گذاری دوستان نوارنده علی الخصوص نوازنده های سازهای ضربی که دوستان برادرم بودند و برای تمرین منزل ما می آمدند نگاه ویژه ای داشتم و چون برادرم سازهای ملودیک می نواخت کمبود سازهای ضربی حس می شد و من هم که دوست داشتم با برادرم ساز بزنم شروع کردم کار کردن روی سازهای ضربی.

– اولین گروهی که به آن پیوستید چه بود؟

– سال ۶۸ برای اولین بار با گروه موسیقی مدرسه راهنمایی شهید پاسدار که موسیقی کلاسیک کار می کردند وارد شدم سپس به گروه موسیقی مدرسه راهنمایی امیرکبیر که موسیقی محلی هم کار می کردند پیوستم و در جشنواره های موسیقی دانش آموزان برتر کشور در سال ۷۱ موفق به کسب عنوان برترگروه موسیقی کشور شدیم. در ادامه نگاه حرفه ای من به نوازندگی، نوازندگی را با گروه موسیقی لیمر شروع کردم و بطور حرفه ای با گروه مروارید لیان کارم را ادامه دادم.

– چه شد که با گروه محسن شریفیان پیوستید؟

– محسن شریفیان را از دوره موسیقی دانش آموزی می شناختم و در سال ۷۴ به اتفاق هم در گروه موسیقی دبیرستان سعادت که مربی آن گروه را آقای عبدالرحیم حفیظی بعهده داشت در جشنواره موسیقی دانش آموزی کشوری موفق به کسب گروه برتر جشنواره شدیم و شروع کار و آشنایی ما به آن موقع بر می گردد . سپس ایشان که گروه مروارید لیان را تشکیل داده بودند ، برای چند اجرا من را بعنوان نوازنده مهمان دعوت کردند و از سال ۷۸ بطور رسمی من با گروه مروارید لیان شروع به فعالیت کردم تا سال ۸۷ که ثمره آن کنسرت های متعدد موسیقی بوشهر در سرتاسر کشور کسب چندین مقام برتر در جشنواره موسیقی نواحی ایران، موسیقی فجر و تولیدات صدا و سیما و جشنواره دانشجویی و نوازندگی در آلبوم های موسیقی بوشهر با نام بندری و موج بوده است.

– چه شد که به گروه سعادت پور پیوستید؟

– نودر سعادت پور از نوازندگانی بود که همیشه نوازندگیش را دوست داشتم و با هم خیلی صحبت می کردیم در خصوص سبکهای نوازندگی موجود و تجربه چند اجرای مشترک هم با هم داشتیم ایشان با سن کم عالی ساز می زد و من هم نوازندگیش را دوست داشتم. ما قبل از پیوستن به گروه هیرون با استاد وزّان که مدیر گروه موسیقی دیار بودند کار میکردم و ایشان از من و استاد وزان و آقای علی ماهینی دعوت کردند که به گروه هیرون بپیوندیم و ما هم قبول کردیم. هم اکنون هم مشغول اجراهای متعدد با گروه هیرون هستیم و معرفی ظرفیت ها و جذابیتهای موسیقی بوشهررا سر لوحه کاری مون قرار دادیم.

– سازهای ضربی شامل چه میشود و چه فرقی با سازهای کوبه ای دارد؟

– سازهای ضربی معمولا با ضربات مستقیم دست و انگشت نواخته میشوند مانند تمبک ، تمپو، دایره ولی سازهای کوبه ای توسط چوب و یا سایر ابزارهای دیگر و دست نواخته میشوند مانند دمام ، دهل و در حقیقت نوازنده بطور غیر مستقیم از دست و مسقیم از ابزار استفاده می کند.

– کلا در فضای موسیقی بوشهر سازهای ضربی و کوبه ای جایگاه خاصی دارد چرا این قدر مورد توجه است؟

– ببینید ریتم در موسیقی ما مانند قلب انسان است که مرکز ضربان بدن انسان است و این موضوع را میشود با تحقیق ساده از مردم اثبات کرد. امروزه ریتم های موسیقی بوشهر مانند سنج و دمام و غیره در خون مردم بوشهر هست و در حالت عادی افراد جامعه بصورت مدام این ریتم را زمزمه میکنند. بصورت غیر ارادی و هر جا سخن از ریتم و ساز ضربی میشود در کشور، موسیقی بوشهر جایگاه ویژه ای دارد و استفاده از ریتم های رایج در موسیقی ما و حتی سازهای ما را در موسیقی سنتی، پاپ و سایر انواع دیگر در سرتاسر کشور استفاده میشود و گرایش آنها به موسیقی بوشهر بسیار جالب توجه است و این خودش میتواند یکی ازنشانه های اعجازهای موسیقی ما باشد. شما در مراسم سنج دمام در ماههای محرم و غیره انبوهی از نوازندگان با شوق و حساسیت خاص همیشه منتظر نوازندگی و نواختن هستند بدون اینکه بصورت آکادمیک دوره ای دیده باشند و این نشانه ای از جایگاه ریتم در موسیقی ما می باشد.

– آیا در بوشهر کلاسهای منظم و اساتیدی هم برای یادگیری سازهای ضربی وجود دارد؟

– اگه منظورتان در حیطه موسیقی محلی باشد که متاسفانه با تنگ نظری هایی که وجود دارد نه، هیچ ارگان و یا صنفی هم در پی حمایت نیست. جالب اینکه بیشتر افتخارات موسیقی استان توسط هنرمند فولکلور بدست آمده و این روند همچنان ادامه دارد اما جدیداً دوستان هنرمندی هستند نظیر اسماعیل بختیاری آزاد که خودجوش شروع کرده به برگزاری کلاسهای سازهای ضربی بصورت حرفه ای و در آموزشگاه تدریس میکند. البته باید عنوان کرد که ما نوازندگان با تجربه و عالی داریم که شاگردانی دارند که بصورت خصوصی با آنها کار می کنند و بعضی هم بدلیل خارج از کشور بودن و یا اجراهای متعدد وقت آموزش ندارند. ولی در سالهای اخیر بیشتر دوستان برای آشنایی بیشتر و آکادمیک در کلاس های استاد همایون نصیری که ایشان سرپرست گروه دارکوب هستند و از نوازندگان بنام سازهای ضربی هستند، در تهران شرکت می کنند.

– سنج و دمام را می توان جزو سازهای کوبه ای دانست لطفاً برای خوانندگان در خصوص اهمیت سنج و دمام در موسیقی آیینی بوشهر توضیح دهید؟

– سنج و دمام جز لاینفک موسیقی ما بوده و هست چه بلحاظ رنگ و تنالیته موسیقی جه بلحاظ مردم شناسی دوستان زیادی تحقیق و پژوهش های میدانی در این خصوص دارند که قابل ستایش هست. تاریخچه آن هم بر می گردد به مهاجرت آفریقایی ها به بوشهر. همانطور که مستحضرید در شروع مراسم عزاداری بوشهری، صدای سنج و دمام آغاز مراسم را اطلاع رسانی می کند.

– معمولا نواختن سنج و دمام بصورت تجربی است. با این وجود شاهد تفاوت های زیادی در نواختن آن حتی در بین محلات بوشهر هستیم. آیا این تفاوت ها چشمگیر است؟

– بله، به لحاظ سبک نوازندگی و میزان یا لنگ ریتمیک، این مراسم در جای جای شهر بوشهر و استان تفاوتهایی را مشاهده می کنیم و این تفاوت قابل درک هستند. این تفاوتها از شکل ساز، نوع مدیریت مراسم، استیل نوازندگان و حس نوازندگی گرفته تا آداب شروع و پایان قطعه می باشد و شاید بشود نوع شرایط زندگی و وجود افراد با فرهنگهای متفاوت موجود در محلات شهر بوشهر را به عنوان عامل تاثیر گذار در تفاوت های برگزاری مراسم سنج دمام دانست.

– نواختن سنج و دمام در بین محلات بوشهر چه تفاوتی با هم دارند؟

– این تفاوت ها را علی الخصوص به لحاظ مترونم ریتم در محله کوتی متفاوت تر از بقیه است. در این محل آغاز مراسم میزان مترونم ریتم لنگ و با نظم خاصی به اوج می رسد. ولی در سایر محلات معمولا مترونم ریتم آغازین بالاتر است و حتی در شکل ساز هم تفاوت های زیادی قابل مشاهده هست. بعنوان مثال استفاده از دمام هایی با پیپ گرم یا چهل تکه و یا حتی نحوه پوست اندازی و رنگ پوست ساز تفاوتهایی است که مشاهده می شود.

– آیا شاهد نواختن سنج و دمام با ریتم ویژه در بوشهر هستیم؟ و می توان از سنج دمام ویژه بوشهر در دنیای موسیقی آیینی سخن گفت؟

– بله درشهر برازجان نوع ریتم سنج دمام متفاوت تر از بوشهر است و به گرده حاج علی جعفر مشهور است. به لحاظ شکل سازی از بند کشی ساز گرفته تا اندازه و جنس پیپ متفاوت تر از شهربوشهر می باشد. اخیراً در آلبوم های موسیقی بوشهر که منتشر شده ریتم سنج دمام را با رنگ صداهای دیگری نظیر ضرب، تمپو ، دایره و سایر سازهای افکتی و بهمراه دمام تلفیق شده و ارائه شده که از نظر من جالب نیست. نوآوری خوب است ولی بر پایه سنت و این از پیام های و اصول اساسی توسط هر نوازنده بومی باید دنبال شود.

– در کجا مشغول بکار هستید و آیا بین نوازندگی موسیقی و کار و زندگی تان هماهنگی وجود دارد؟

– من کارشناس برنامه و بودجه (با رتبه ارشد) اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر هستم و دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت و دروس رشته حسابداری و بودجه هم تدریس میکنم. خیلی سخته هماهنگی بین کار و زندگی و موسیقی ولی موسیقی عاملی است برای پیشرفت من در کار و زندگی. البته باید از مادرم بخاطر همه مشکلاتی که برایش در خانه ایجاد می کنم از سرو صدای ساز تا کارهای خانه تشکر ویژه کنم و دستش را می بوسم که به من در همه زمینه ها کمک می کند .

– حمایت مسئولان از گروه های موسیقی محلی چگونه است و چه انتظاری از مسئولان دولت جدید دارید؟

– هیچ حمایتی نمیشود، شما بروید بررسی کنید چه تعداد از هنرمندان موسیقی محلی بیمه هستند؟چه تعداد تحت حمایت مرکز موسیقی و صندوق حمایت ار هنرمندان هستند؟ انجمن موسیقی بوشهرچکار میکند؟ چند بار هنرمندان موسیقی محلی را جمع کرده و از آنها تقدیرکردند؟ جایگاه نخبگان موسیقی ما کجاست؟ از پیشکسوتان موسیقی محلی چه حمایتی کردند؟ ولی وقتی صحبت از موسیقی بوشهر میشود دوستان مسئول با افتخاراتی که موسیقی محلی بوشهر کسب کرده پز میدهند. در سنوات گذشته بودجه ای تحت عنوان بودجه فرهنگی به استانها ابلاغ گردید یکی از آیتم های آن حمایت از آثار هنرمندان بود شما بروید سوال کنید از چه کسی در حوزه موسیقی در بوشهرحمایت شده؟

– با ریاست جمهوری دکتر روحانی و تفکرات جدید در وزارت ارشاد، آیا امیدوارید که مشکلات موسیقی محلی بوشهر هم رفع شود؟

– امیدواریم با تفکرات جدید شاهد فعالیت بیشتر هنرمندان این عرصه در اجرا باشیم و جلوی مجوزهای کنسرت و اجرای موسیقی در بوشهر گرفته نشود و برای هنر ارزنده ای که نام ایران و بوشهر را به تمام جهانیان معرفی کرده حمایت را سرلوحه فعالیت های جدید قرار بدهند. بینش درست به عملکرد درست می انجامد و مشکل اساسی در جامعه ما این است که بجای آنکه به محتوا و مفهوم صحبت ها توجه کنیم به خود فرد نگاه می کنم. بقول افلاطون موسیقی یک ناموس اخلاقی است. به امید حمایت از موسیقی محلی بوشهر.

– سخن آخر ؟

– تشکر از جناب قیصی زاده و هفته نامه وزین نسیم جنوب که همیشه حامی هنرمندان بوده و مشکلات و اخبار موفقیت های آنها را اطلاع رسانی کرده، همچنین تشکر میکنم از دوستان هنرمند هم استانی که در حیطه موسیقی محلی و سایر سبک ها فعالیت میکنند. تشکر ویژه هم دارم از دوستانم در گروه موسیقی هیرون و از برادر بزرگم مهندس محمد رضا نوشزاد که هم برایم پدر بوده و هم معلم. چند پیشنهاد هم برای متولیان فرهنگ استان دارم که بد نیست:

تشکیل صندوق حمایت از هنرمندان در بوشهر با استفاده درآمد های مالیاتی و یا اعتبارات خارج از شمول استان

* برگزاری هفته فرهنگی برای فرهنگ مختلف در استان جهت آشنایی بیشتر هنرمندان ضمن اینکه میتوان جایگاه توریستی و اقتصادی هم داشته باشد.

*تدوین زندگی نامه نخبگان و پیشکسوتان موسیقی محلی در بوشهرو برگزاری بزرگداشت برای آنها.

*تهیه آلبوم موسیقی بوشهر با تکیه بر معرفی مقام های موسیقی بوشهر با استفاده از همه بزرگان این موسیقی.

*برگزاری جشنواره موسیقی محلی که در سنوات قبل اجرا و سالهاست تعطیل شده و حتی در سطح بین الملل.

*توجه به تحقیق در موسیقی و نقش آن در شکوفایی روح و استعداد های انسانی.

*برگزاری مستمر کلاسهای آموزشی در حوزه آهنگسازی، تنظیم، نوازندگی و صدابرداری توسط انجمن موسیقی بوشهر.

موفقیت عکاس بوشهری در جشنواره بین‌المللی رومانی



سعید عرب‌زاده عکاس جوان بوشهری در جشنواره بین‌المللی عکس رومانی موفق به دریافت تقدیر از فدراسیون جهانی عکاسی شد.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، سعید عرب‌زاده عکاس بوشهری موفق به کسب تقدیر هیئت داوران (Honorable Mention FIAP) از فدراسیون جهانی عکاسی (FIAP) در دهمین جشنواره بین‌المللی عکس بوکاوینا رومانی شد.

این جشنواره زیر نظر فدراسیون جهانی عکاسی (فیاپ) و انجمن عکاسی رومانی برگزار شده است.

سه عکس از این عکاس در جشنواره پذیرفته شد که یک عکس در بخش آزاد (روبان افتخار) و دو عکس در بخش طبیعت است.

در این جشنواره ۷۶۲ عکاس با چهار هزار و ۸۷۶ عکس از ۳۷ کشور مختلف جهان با موضوعات آزاد و طبیعت به رقابت پرداخته بودند

نمایش دو فیلم از فیلمساز بوشهری در کانادا



دو فیلم کوتاه «مداد» و «منظر» ساخته ی سیدرضا صافی به سیزدهمین جشنوارة بین المللی سیلور ویـــو کانادا راه یافتند. این جشنواره از هفتم تا دهم نوامبر ۲۰۱۳ (برابر با ۱۶ تا ۱۹ آبانماه سال جاری) در کشور کانادا برگزار می¬شود.

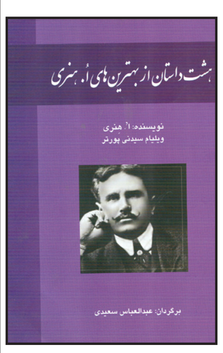
فیلم ۹۰ ثانیه ای «منظـــر» یا Point Of View که یک فیلم اکسپریمنتال (تجربه گرا) است، نگاهی دارد به فصول عُمر آدمی از دریچة رنگها. این فیلم قبلاً افتخاراتی را در جشنواره های ملی نیز کسب نموده است. همچنین فیلم داستانی «مداد» با مدت زمان ۴ دقیقه، روایتی از یک کودک دبستانی در کلاس دیکته را به نمایش میگذارد. لازم به ذکر است که این فیلم چندی پیش نیز به سی و ششمین جشنوارة بین المللی استارز دنور ایالات متحدة آمریکا راه یافته بود. برگزاری این جشنواره از ششم نوامبر سال جاری میلادی در ایالت کلرادو آمریکا آغاز خواهد گردید.

معرفی کتاب

هشت داستان از بهترین های اُ. هنری

نویسنده: ویلیام سیدنی پورتر

مترجم: عبدالعباس سعیدی



عبدالعباس سعیدی در سال ۱۳۳۸ از پدرش عبدالکریم سعیدی بوشهری قاضی گمرک و مادرش مریم دریانورد دختر کاپیتان عباس دریانورد بوشهری که از بنیانگذاران نیروی دریایی ایران به شمار می رود متولد شد. تحصیلات ابتدایی و سیکل یک و دو دبیرستان را در منطقه قلهک تهران به پایان رسانید و در بحبوحه انقلاب اسلامی ایران برای ادامه تحصیل عازم کشور ایالات متحده آمریکا شد و موفق به دریافت کارشناسی در رشته درمان تنفسی و کارشناسی ارشد در رشته علوم تنفسی از دانشگاه هوستون، تگزاس شد. در طول اقامت ۱۷ ساله خود در آمریکا، در بیمارستان ها و مؤسسات آموزش عالی به کار و تدریس مشغول بود و در سن ۳۷ سالگی به خاطر عشق و علاقه وافر به میهن و خانواده به کشور مراجعت کرد و به تدریس در دانشگاه و مؤسسات زبان انگلیسی مشغول گردید و هم زمان به ترجمه متون مختلف از جمله داستان های کوتاه و رمان که از دوران کودکی به خواندن آنها عشق می ورزید، دامن زد. کتاب «هشت داستان از بهترین های اُ. هنری»، نتیجه یکی از کارهای این مترجم است که امید است مورد توجه خوانندگان گرامی قرار گیرد. این کتاب توسط انتشارات لیان چاپ شده است.



استاندار خوزستان در خانه مترجم بزرگ کشور:

نجف دریابندری اعتبار منطقه جنوب است

فرزاد گمار: استاندار خوزستان و حمید فرخ‌نژاد طبق قرار قبلی یک دسته گل تدارک دیده و آمده‌اند سری به آقای مترجم ۸۴ ساله و البته همشهری خود بزنند. نجف دریابندری در طبقه سوم خانه‌ای نسبتا قدیمی در یکی از خیابان‌های روبه روی پارک ملت ساکن است و قرار دیدار هم ساعت ۱۰ صبح روز آبانی.

اولین پیش‌فرض برای دیدار آقای استاندار با آقای مترجم که قبلا در دولت اصلاح‌طلبان استاندار بوده و پس از چند سال دوباره همین چند روز پیش به استانداری خوزستان منصوب شده است، می تواند همشهری بودن و آشنایی دیرین باشد. اگرچه این پیش فرض نامربوط نیست، اما آنچه باعث شکل گیری این دیدار شده، وجود کتاب‌های نجف دریابندری در خانه استاندار و دیدن کتاب «مستطاب آشپزی» دست دخترش بوده است.

چند دقیقه‌ای از ورود میهمانان به خانه نگذشته است که نجف دریابندری از راهرو منتهی به اتاق‌ها با لباس رنگ روشن و مرتبش در حالی که خنده به لب داشت و شاید تا حدودی شوق دیدن میهمان در تمام صورتش دیده می شد، پیش میهمان‌ها آمد. میهمان‌های آبادانی هم با دیدن او بلافاصله به پیشوازش رفتند و شروع کردند به احوال‌پرسی. دریابندری هم سلام و احوال‌پرسی و خوش آمدگویی محکم و جانداری رو به میهمانانش به‌جا آورد و بعد تعارفشان کرد به نشستن. دیدن سرحالی و نشاط، طرز راه رفتن و پیش آمدن بدون یاری غیر دریابندری و سپس احوال‌پرسی جاندارش با به کارگیری کلمات درست و بدون لکنتش، آن هم از جانب او که ۸۴ ساله است و تا به حال سه بار دچار سکته مغزی شده است، خیلی خوشحال‌کننده است و احتمالا همین سرحالی، میهمانان را امیدوار کرد که پیرمرد جنوبی هنوز سرپا در ادامه میزبانی‌اش حتما از آبادان، ادبیات، ترجمه و سینما و... سخن خواهد گفت و شاید حتی باعث شد هر کس در ذهن خود به دنبال سوال‌هایی بگردد تا در وقت مناسب از او بپرسد.

بلافاصله پس از نشستن، دریابندری که چشمانش در نور چراغ لوستر بالای سر میهمانان (که یک بار سر حمید فرخ‌نژاد به آن خورد و همه خندیدند) کاملا می‌درخشید. با همان خنده و شوقی که در چهره و چشمانش بود، ظرف شیرینی را به طرف آقای استاندار گرفت و به میهمانانش شیرینی تعارف کرد. لحظه‌ای بعد هم خانمی که به نظر می‌رسید پرستار آقای مترجم و یا خدمتکار خانه است، چای مخصوصی برایش آورد. بلافاصله سهراب هم که آخرین فرزند دریابندری است و به کار مستند سازی مشغول است، برای میهمانان چای آورد و تعارف کرد و در پایان به جمع پیوست.

در ادامه، آقای استاندار که هنوز نقش لبخند آغازین چهره‌اش کاملا محو نشده بود، شروع به سخن گفتن کرد. مقتدایی ابتدا از حمید فرخ‌نژاد به خاطر اینکه باعث برقراری ارتباط با اهل فرهنگ و هنر و قلم شهر آبادان شده است، به صورت ویژه تشکر کرد و سپس چنین ادامه داد: «به عنوان مسئولان مملکت وظیفه خود می دانیم به تمامی کسانی که در حوزه فرهنگ و هنر زحمت کشیده‌اند، سر بزنیم و از آن‌ها احوالی بپرسیم تا شاید همین بهانه‌ای برای به یاد آوردن آن‌ها توسط رسانه‌ها شود که خود می تواند نوعی تقدیر از این شخصیت‌ها باشد.»

استاندار خوزستان سپس روی سخن خود را به سمت نجف دریابندری گرداند و درباره او چنین سخن گفت: «دریابندری در ایران و جهان چهره شناخته شده‌ای است و برای اهالی جنوب ویژگی خاصی دارد. او اعتبار منطقه جنوب است و می‌تواند برای جوانان یک الگو باشد.»

او سپس دلیل دیدارش را با نجف دریابندری این گونه شرح داد: یکی از دلایلی که باعث تحریکم برای دیدار دریابندری شد، وجود کتاب‌هایش در منزل بود. رشته دخترم مترجمی است و دو سه روز پیش که کتاب «مستطاب آشپزی» ایشان را در دست گرفته بود، از ایشان نام برد. من گفتم خوب است که به دیدار ایشان بیایم. بلافاصله با آقای فرخ‌نژاد تماس گرفتم و ایشان هم با توجه به ارتباطی که با اهالی فرهنگ و هنر دارند، لطف کردند و برنامه این دیدار را ترتیب دادند.

مقتدایی در ادامه اظهار کرد: در همین بدو آغاز کار در استانداری با تعداد دیگری از دوستان آبادانی و خوزستانی و البته با همکاری اهالی هنر و فرهنگ مثل آقای فرخ‌نژاد در حال تدوین طرحی هستیم تا بتوانیم برای هنرمندان و شخصیت‌های فرهنگی این استان کاری انجام دهیم و با تشکیل یک تیم از چهره‌های ماندگار استان در این حوزه تقدیر کنیم؛ حتی اگر امکان برگزاری مراسم تقدیر برای این شخصیت در خوزستان فراهم نشد، سعی می‌کنیم در یک برنامه این مراسم تقدیر را برای چند شخصیت برجسته فرهنگی مثل استاد نجف دریابندری در تهران برگزار کنیم.

او به نجف دریابندری رو کرد و به گفته خود، افزود: چنین چهره‌هایی برای خطه جنوب بسیار کارساز بوده‌اند و برگزاری چنین مراسم تقدیری شاید باعث باز شدن بحث این شخصیت‌ها در خانواده‌ها شود و نام این افراد در رسانه‌ها و مطبوعات و نزد اصحاب فرهنگ و هنر مثل یک جرقه باشد تا جوانان پی ببرند که چنین شخصیت‌هایی هم در شهر و دیار آن‌ها وجود دارند.

حمید فرخ‌نژاد نیز حرکت مقتدایی را برای ارتباط با اهالی فرهنگ و هنر قشنگ توصیف کرد و گفت: حرکت دکتر مقتدایی در بدو ورود به استانداری خوزستان حرکت قشنگ و قابل تقدیری است. امیدوارم حضور ایشان و رویکردشان در قبال اهالی فرهنگ و هنر باعث شود که دیگر مسوولان هم فرهنگ و هنر را عزیز بدارند، زیرا مسایل فرهنگی اولویت کشور ماست.

در تمام مدتی که استاندار خوزستان و حمید فرخ‌نژاد سخن می‌گفتند، که البته زیاد هم طول نکشید، دریابندری ساکت بود و مدام چشمانش را به اطراف می‌چرخاند، گاه به میهمانانش نگاه می کرد و لبخند ریزی که بیشتر نشانگر میهمان‌نوازی‌اش بود، بر چهره تکیده‌اش نقش می‌بست. سخنان میهمانان که تمام شد، از «استاد نجف» هم خواسته شد که کمی از آبادان و ادبیات و... بگوید؛ اما برخلاف انتظار، او خیلی کم سخن گفت. تلاش‌ها برای به سخن درآوردن مترجم ۸۴ ساله تقریبا بی‌نتیجه بود. سوال‌ها هم به کمک سهراب از او پرسیده می شد. دریابندری در پاسخ به سوال‌ها می گفت: «همه چیز را قبلا گفته‌ام» و دست تکان می داد. اما زمانی که آقای استاندار درباره آبادان و محل تولد دریابندری پرسید و گفت، پدر و مادر خودش بوشهری هستند، ولی خودش متولد آبادان است، گویی شوقی آنی در وجود و چهره دریابندری نمایان شد و با حالتی پر از وجد که به تکان دادن دست وادارش کرده بود، به سخن آمد که: «شما هم که مثل من هستید.» و در ادامه سخنش درباره محل تولدش اضافه کرد: «خانه مان روبه روی احمدآباد... رو به روی خیابان شرکت نفت... خیابان پرویزی، روبه روی حمام ژرمن بود.» دیگر چیزی نگفت و حمید فرخ‌نژاد هم که دید وضعیت جسمی دریابندری خیلی به او مجال صحبت کردن نمی‌دهد، یا حداقل او تمایل به سخن گفتن ندارد و ممکن است پرسش‌ها باعث رنجشش شود، درآمد که: «بهتر است بیش از این مزاحم نشویم.»

لحظه‌ای بعد آقای استاندار و آقای بازیگر خواستند با آقای مترجم سه نفری عکس یادگاری بگیرند. بعد هم خداحافظی کردند و رفتند. سهراب هم با آن‌ها پایین رفت. پس از اینکه از دریابندری چند فریم دیگر عکس گرفته شد، ما هم از خانه خارج شدیم و دریابندری تنها در پذیرایی خانه‌اش نشسته بود.

پس از رفتن میهمانان، فرصتی دست داد تا با سهراب درباره پدرش گپی بزنیم که او درباره وضعیت پدرش چنین گفت: خوشبختانه اوضاع خوبی دارد و گروه پزشکان هم که به او لطف دارند، مرتب به او سر می زنند. اوضاع و احوالش بد نیست، البته مدتی بود که به خاطر فوت مادرم حالش خوب نبود، اما حالا بهتر است. مرتب در حال کتاب خواندن است و با اینکه آقای زهرایی، مدیر انتشارات کارنامه، فوت کرده است، باز هم بعضی وقت‌ها به دفتر این انتشارات می‌رود. (انتشارات کارنامه ناشر آثار دریابندری است).

او همچنین گفت: معمولا جمعه‌ها صبح دوستانش که برخی از آن‌ها نویسنده هستند، به دیدارش می‌آیند و طبق رسم قدیم به او سر می‌زنند. زمانی هم که سکته کرده بود، یک بار آقای مسجد جامعی به دیدارش آمد که خیلی خوشحال شد.

خود سهراب که در واقع سومین و در واقع آخرین فرزند دریابندری است، الان کار مستندسازی انجام می دهد و گاهی وقت‌ها هم عکاسی می کند. تا به حال چند نمایشگاه عکاسی هم در تهران برپا کرده است. دیگر فرزندان دریابندری آرش و نوشین هستند که از کودکی در آمریکا به سر می‌برند.

هامون
شماره ۷۱۶- یک شنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

عکس نوشت



ناصر فکوهی: کتاب ها موجودات عجیبی هستند: در یک سوی طیف، کتابهای نگون بختی را می بینیم که خزیده در گوشه ای سر درون خود فرو برده اند، از یاد ها رفته اند و برگ های وجودشان چنان با نفس هوای تازه و روشنایی بیگانه اند که خاموشی و مرگ و آرام خفتن در کنجی از کتابخانه را سرنوشت ازلی و ابدی خود می پندارند و در سوی دیگر طیف، کتاب هایی خوشبخت را که چنان با حرص و ولع، چنان با بازیگوشی و سرمستی از دستی به دستی و از معشوقی به معشوقی دیگر گذر می کنند، چنان با لذت خوانده می شوند (خورده می شوند) که نسبت به خود توهم یافته و این توهم را به خالقان خود، نویسندگانشان، نیز منتقل می کنند. و در میان این دو نیز همچون همه جا میانه حال ها، ازمتوسط بودگی ، کتاب هایی که رایج و متقارن و درست همانگونه اند که باید باشند: محکومان و نفرین شدگان ابدی اندیشمندان. و ناگهان، کتاب هایی تازه از راه رسیده و تازه نفس، برون جسته از رایانه ها و نظام های الکترونیک صفر و یک های ابدی«تصاویر بازسازی شده بر صفحه نورانی، سیمای اندیشمندی که در دست می گیریم و نمی دانیم چگونه خاطرات خود را از بوی حزن انگیزکاغذ های از دست رفته را از یاد ببریم تا با سردی و سفیدی بی رحم منطق دوتایی جایگزینش کنیم. کتابخانه ها خالی می شوند و درون رایانه ها فرو می روند: رویایی طلایی برای آنها که در جستجوی فضاهایی بیشتر برای زندگی خود و درختان هستند؛ و کابوسی برای آنها که هرگز لذت بی پایان تورق، بوی کهنه کتاب و صدای تقلید ناپذیر برگ هایی که بر هم می خوابند و کلماتی که درون چشم ها می ریزند را از یاد نمی برند.

(تابلو نقاشی اثری از آیدین آغداشلو)

تاملات

مطالعه به مثابه آفرینش معنا

مطالعات فرهنگی در باب " فرهنگ مطالعه " در ایران



اسماعیل حسام مقدم

یک. مطالعه به مثابه حل مساله

بطور اساسی وقتی از مطالعه حرف می زنیم، درباره چه چیزی قصد اندیشیدن داریم؟ بالفرض همه ما در زندگی روزمره مان با مسائلی مواجه می شویم که در نخستین برخوردی که با آن داریم، امکان حل مساله برای مان ممکن نیست، ضرورت مطالعه ی راه های حل مساله ای که پیش از این دیگران تجربه نموده اند، می تواند در حل مساله ما راهگشا باشد، ازهمین رو با راه حل های متفاوتی ازطریق مطالعه مواجه می شویم و در نهایت یکی را بر دیگری ترجیح می دهیم و مساله را با آن حل می نماییم. این معنای عامی هست که درباب مطالعه می شود دنبال نمود و به آن نزدیک شد. کارل ریموند پوپر؛ فیلسوف اتریشی این فرآیند حل مساله را به عنوان روشی علمی برای حل مساله در جهان ما پیشنهاد می دهد. او از سه مرحله حرف به میان می آورد که در همین مثال بالا نیز موجود بود: اول: مساله ای که شکل می گیرد. دوم: جهانی سرشار از ایده ها برای حل آن مساله. و سوم: برخورد این ایده ها با یکدیگر برای گرفتن جایگاه برتر. بنابراین مطالعه به مثابه حل مساله می تواند دارای وجهی بسیار ضروری در زندگی روزمره انسانها تلقی شود.

پوپر می گوید که "جهان؛ سراسر حل مساله است." و همین ایده از او می تواند راهنمایی باشد برای پاسخ دادن به اینکه وقتی از مطالعه حرف می زنیم، از چه چیزی حرف به میان می آوریم. مطالعه ای که انسان پرسشگر را در میانه ی هزاران پاسخ قرار می دهد و او را به سمتی هدایت می کند که دیگر راه های از قبل تجربه شده را مجددن تجربه ننماید. و این دقیقن همان آفتی هست که در فرهنگهایی که فرهنگ مطالعه عمومیت نیافته، باعث ازبین رفتن سرمایه های زمانی، مادی و انسانی می گردد. از درون همین فضایی که گرفتار فقدان مطالعه شده، مفاهیمی همچون "تاخر فرهنگی" برساخته می شود. برای گذار از این موقعیت "تاخر فرهنگی"، به نظر می رسد که سیاستگذاران فرهنگی باید به سمت عمومیت بخشیدن و روزمره کردن "امرمطالعه" در جامعه بپردازند که از درون دولتی نمودن و نخبه گرایی در فرهنگ مطالعه، هیچ مساله ای حل نخواهد گردید.

دو. مطالعه به مثابه کنشی روزمره

آنگاه که سیاستگذاران فرهنگی در پی عمومیت بخشیدن به فرهنگ مطالعه برآیند، دیگر در چنبره "کمی نمودن" امر مطالعه گرفتار نمی آیند. جالب اینجاست که نخستین چالشی که هر مقام مسئولی در مدیریت "فرهنگ مطالعه" گرفتار می آید این هست که مثلن در ایران، سرانه مطالعه چقدر هست، یکی می گوید ۷۵دقیقه و دیگری از ۳ دقیقه حرف به میان می آورد؛ اما این مبتذل نمودن ماجرای مهم و حیاتی ای هست که به جای اینکه نگرشی کیفی به آن داشته باشیم، نگاه کاملن کمی شده ای به آن روا داشته می شود. به جای گرفتار آمدن در این چرخه ناقص که در نهایت به "امتناع تفکر" در فرهنگ ایرانی انجامیده است، باید به سمتی از سیاست های فرهنگی میل نماییم تا مطالعه را در تمام کنشهای روزمره مردم تعبیه نمایند. به زعم نویسنده این یادداشت، هر کنش روزمره ای در فرهنگ عمومی می تواند به مثابه کنشی مطالعه گرایانه برای حل مساله قلمداد شود. خواندن کتاب / روزنامه / مجلات، دیدن فیلم سینمایی، حضور در شبکه های اجتماعی مجازی، رسانه ها و تلویزیون و... همگی می توانند به مثابه ی کنش فرهنگی "مطالعه" محسوب شوند. اما آنچه که مهم هست در این زمینه باید برنامه ریزان فرهنگی به سمتی حرکت نمایند که سطح "آزادی اطلاعات" و "کارآیی ارتباطات" را افزایش دهند تا فرهنگی شکل بگیرد که هرکس سوالی را می پرسد، به هر جوابی راضی نشود. به عبارت دیگر مطالعه صرفن برای مطالعه نباشد، بلکه مطالعه برای ژرفا بخشیدن به دانش و فهم انسانی باشد.

سه. مطالعه به مثابه تعمق در متن

منظور نویسنده از متن (text) نه صرفن متن های مکتوب بلکه هر متنی که در بستر فرهنگ روزمره نگاشته می شود، هست. متنی که توسط همه کنشگران اجتماعی به نگارش درمی آید که می تواند شامل نوشتن، موسیقی، سینما، دنیای مجازی، مطبوعات، قدم زدن، رانندگی کردن و... نیز شود. ازهمین رو فرهنگ مطالعه اگر صرفن به سمت خواندن کتاب و مکتوبات پیش برود، در جهان چندرسانه ای و چندساحتی امروز، دچار فقدان دانش و درک صحیح از مسائل خواهدشد. نظام سیاستگذاری در حوزه فرهنگ مطالعه در ایران دچار گونه ای زوال و فروپاشی شده است، زیرا هرگز نتوانسته خود را با وضعیت جهان جدید منطبق نماید و همچنان مساله اصلی اش این هست که چند دقیقه مردم ایران دارند مطالعه می کنند. به نظر می رسد که در جهان جدید با اشکال دیگری از کنش مطالعه کردن روبه رو شده باشیم و این ناشی از پیچیدگی جهان جدید هست که افراد را به آن سمتی هدایت می کند که برای درک و فهم مسائل روزمره خود باید تعمق بیشتری در متن جهان کنند تا بتوانند در مواجهه با هجوم معناهای متکثر و عظیمی که در جهان امروز تولید و بازتولید می شوند، مقاومت نماید و در نهایت به آفرینش معنایی دیگر از جهان نائل آیند.

پ.ن. این مقاله؛ نسخه مکتوب شده سخنرانی نویسنده در نخستین جلسه ماهیانه فرهنگی- اجتماعی بنیاد رشد و اندیشه سازندگی استان بوشهر می باشد. اسماعیل حسام مقدم؛ منتقدفرهنگی و عضو پیوسته "انجمن جامعه شناسی ایران" می باشد.



مطالعه؛ کنشی گمشده در زندگی روزمره

گزارش- گفت وگوی "هامون" در باب فرهنگ مطالعه در شهر بوشهر



مهدیه امیری

هر شخصی در زندگی روزمره خویش نیازهای زیادی دارد که برخی از آنها بر"دیگری" دارای اولویت می باشد. یکی از این دیگری ها در شهر بوشهر که زیاد هم مورد توجه قرار نمی گیرد و در سبد خرید خانوار بوشهری جایگاهی ندارد؛ "کتاب" است. مطالعه در بوشهر به درون سبک زندگی روزمره ی شهروندان وارد نشده، فرهنگ کتابخوانی در بین شهروندان بوشهری به فراموشی سپرده شده و به مساله ای فرا واقعیت مبدل گردیده است. "کتابخرها" در بوشهر عمدتن دو قشرمحصل (دانش آموز و دانشجو) و زنان خانه دار می باشند و بالتبع "کتاب خوان" ها نیز در همین دو قشرخلاصه می شوند.

محتشم؛ مدیرکل کتابخانه های عمومی استان بوشهردر گفت و گویی به این مساله اشاره نموده که "بوشهر به ۴۸ کتابخانه نیاز دارد". از سویی دیگر به گفته ی حسینی؛ مسئول کتابخانه ی عمومی بوشهر "در روز تنها ۵۰ نفر جهت امانت کتاب به کتابخانه مراجعه می کنند و این فاجعه ای بسیار تاسف آور هست." اینجا این پرسش مطرح می شود؛ زمانی که مراجعه کنندگان به تنها کتابخانه ی عمومی بوشهر در روز به ۱۰۰ نفر هم نمی رسد، آیا نیازی به اعلام کمبود در تعداد کتابخانه ها می باشد؟ آیا نباید به طریق اولی تر راهکارهایی اصولی جهت تشویق شهروندان برای مراجعه به کتابخانه در نظر گرفت؟ آنچه که به نظر می رسد این هست که در حال حاضر کمیت نباید مورد توجه مسئولین قرار گیرد بلکه سطح کیفیت را باید بالا برد و تغییری اصولی در " گفتمان " فرهنگ کتابخوانی بوجود آورد.

مهتا بذرافکن؛ دانشجوی دکتری جامعه شناسی در خصوص عدم استقبال شهروندان بوشهری به مطالعه گفت:" دلیل عدم استقبال شهروندان بوشهری به کتابخوانی، عادت نکردن به مطالعه می باشد. از کودکی به ما آموزش داده نشده و ما نیز به کودکانمان آموزش نداده ایم که ارزش واقعی مطالعه چه قدر می باشد و چگونه مطالعه می تواند به بخشی از فرهنگ روزمره ما تبدیل شود. پس در ابتدا، این موضوع یک مشکل فرهنگی هست. این مساله در سال های اخیر نیز شدیدتر شده یعنی به جای اینکه کتابخوان تر شویم، تیراژ چاپ کتابها پایین تر آمده، سانسورها بیشتر شده و خوانندگان نیز کم تر شده اند. این مساله به گونه ای گشته که مراجعه به کتابخانه های عمومی، تنها جهت درس خواندن می باشد."

وی در گفت و گو با هامون علل دیگر را در نهادهای آموزش و پرورش و خانواده جستجو کرد و افزود:" از یک طرف خانواده و از طرف دیگر آموزش و پرورش هیچ تمایلی به گستراندن گفتمان مطالعه ندارند. زمانی که سیستم معانی ذهنی افراد و ارگان ها اینگونه است هیچ راهکاری نمی توان ارائه داد. مگر اینکه مطالعه را به اندازه ی محیط های مجازی جذاب کنیم."

تنها کتابخانه عمومی بوشهر در اغما!

در بوشهر تنها یک کتابخانه ی عمومی به نام "مصلحیان" وجود دارد – البته به تازگی دومین کتابخانه عمومی به نام "محمدی باغملایی" نیز افتتاح شده است – کتابخانه مصلحیان حدود یک سال است که به صورت شبانه روزی تغییر وضعیت داده و دارای سیستم باز می باشد. به گفته ی حسینی؛ این کتابخانه حدود ۲۰هزار جلد کتاب و ۲۵۰۰ عضو دارد. مسئول کتابخانه مصلحیان در خصوص این کتابخانه به هامون گفت: " کتابخانه مصلحیان بیشترکمبود قرائت خانه را رفع می کند و اکثرن سالن مطالعه آن مورد استفاده قرار می گیرد. مراجعه آنقدر نیست که شبانه روزی بودن آن را توجیه کند و البته شاید کسی اطلاع زیادی نداشته باشد! بوشهر درگیر بی مطالعه گی می باشد و چرا این بی مطالعه گی آنقدر شدید می باشد که افراد را به خواندن راغب نمی کند، جای تامل دارد."

یکی از مراجعه کنندگان در خصوص مشکلات این کتابخانه و عدم استقبال شهروندان به مطالعه گفت:" به اینجا که کتابخانه نمی گویند! چون امکانات کتابخانه را ندارد. در کتابخانه های بعضی شهر ها معلم هایی هستند که برای افراد رفع اشکال هم می کنند. کتاب جذابی برای امانت گرفتن در این کتابخانه نیست و اکثر کتابها از رده خارج می باشند. وقتی با مراجعه به کتابخانه نیازم مرتفع نشود پس مجددن به مخزن مراجعه نمی کنم. چون اینجا تنها کتابخانه در بوشهر می باشد بالاجبار به سالن اینجا برای درس خواندن می آیم و نه مطالعه کتاب. تنها مزیتی که دارد شبانه روزی بودن آن است، همین"



دیگر مراجعه کننده به کتابخانه شبانه روزی "مصلحیان" نیز گفت: " قفسه های کتاب باید در کنار ما باشد نه اینکه قفسه ای در سالن مطالعه نباشد. محیط، مناسب نیست و کاملن باید بازسازی شود چون بسیار قدیمی است. کتاب های موجود در مخزن نیز بسیار قدیمی هستند. مجبوریم به اینجا مراجعه کنیم. کتابخانه را شبانه روزی کرده اند اما نه سلف غذاخوری دارد و نه بوفه. اگر دو سالن هم برای خواهران بود و هم برادران مشکل برای مطالعه نداشتیم و متاسفانه ما در حال حاضر تنها سه روز در هفته می توانیم به کتابخانه مراجعه کنیم."

یکی دیگر از عضوهای این کتابخانه بیان کرد: "به خاطر کمبودهایی که این کتابخانه دارد مراجعه کننده ندارد. کتاب ها به روز نیستند و حتا کتابدارها راهنمایی صحیحی به مراجعه کنندگان نمی کنند و کتابها را به ما معرفی نمی کنند و می گویند خودتان پیدا کنید. از نظر من اینجا کتابخانه نیست. چون یک نفرمی تواند در یک خانه چند عدد میز را به هم بچسباند و بگوید این هم کتابخانه. چون اینجا عملن کتابی برای مطالعه وجود ندارد که بتواند مرا جذب نماید و به خواندن و مطالعه کردن ترغیب کند. من تنها از سالن مطالعه آن استفاده می کنم. از لحاظ بافت هم که بسیار قدیمی و کهنه می باشد و مخزن به صورت منظم نیست."



یکی از پشت کنکوری ها در مورد مشکلات خود گفت: "اینجا تنها کتابخانه ای می باشد که شبانه روزی است و ما فقط روزهای زوج می توانیم از آن استفاده کنیم و این مشکلات بسیار زیادی به وجود می آورد. از لحاظ نور و فضا با مشکلات عدیده ای روبرو هستیم. کیفیت کتابها بسیار پایین می باشد و به روز نمی شود. من باامید به استفاده از کتاب در این کتابخانه عضو شدم ولی زمانی که به مخزن مراجعه کردم دیدم کتابهای مورد نیاز من در این کتابخانه وجود ندارد و من در عمل انجام شده قرار گرفتم! اگر برای کسانی که درس می خوانند فضا به گونه ای بود که یک سالن وجود داشت که افراد به صورت گروهی می نشستند و رفع اشکال صورت می گرفت بسیار عالی می شد."

دیگر شهروند بوشهری که به تازگی عضو این کتابخانه شده بود نیز گفت: " کتابها را برای گروه های سنی طبقه بندی نکرده اند و مخلوط می باشد. کتابهای اینجا بسیار قدیمی است و مرا راضی نمی کند. احساس می کنم به جای اینکه مرا تشویق به خواندن کند بیشتر ترجیح می دهم دیگر مراجعه نکنم."

به راستی سیستم کتابخانه دارای مشکل می باشد یا افراد راغب به مطالعه نمی باشند؟ در قانون شهرداری ماده ای وجود دارد که شهرداری را موظف به پرداخت نیم درصد از بودجه ی خود به کتابخانه ها می کند. آیا در شهر بوشهر این قانون عملی می شود یا مشکلات دیگری مطرح است؟

خشکسالی مالی در کتابخانه ی خوشبخت!

دلیل تاسیس و راه اندازی یک کتابخانه چیست و با چه هدفی کتابخانه ها فعالیت می کنند؟ زمانی که به گفته ی ثریا جوان؛ مسئول کتابخانه ی پژوهشکده ی دانش آموزی شهید خوشبخت، "آموزش و پرورش چندین سال است که هیچ گونه هزینه ای برای خرید کتاب پرداخت نکرده است و ما در حال حاضر تنها کاری که می توانیم برای دانش آموزان انجام دهیم در اختیار گذاشتن فضا می باشد و از لحاظ کتاب کمبودهای زیادی وجود دارد. تنها کسانی که کنکور قبول می شوند کتاب های خود را به کتابخانه اهدا می کنند"

چه انگیزه ای برای کتابخوانی و مطالعه باید در بین دانش آموزان وجود داشته باشد؟ زمانی که خود آموزش و پرورش به عنوان یکی از متولیان توسعه ی فرهنگ کتابخوانی در انجام وظیفه ی خود کوتاهی کند چه انتظاری باید داشت که سرانه ی مطالعه در بوشهر بالا رود؟!! یکی از دانش آموزان در پژوهشکده ی شهید خوشبخت در گفت و گو با هامون عنوان کرد: "در این کتابخانه کتابها اکثرن خراب شده اند ونیاز به صحافی دارند و کتاب های زیادی برای مطالعه وجود ندارد و من کتابی را که مطالعه کرده ام به کتابخانه اهدا می کنم چون کتابخانه آنقدر بودجه ندارد که کتابهای جدید بخرد."

پرسشهایی مطرح می شود که آیا اساسن در برنامه های آموزشی آموزش و پرورش هیچ اهمیتی به کتابخوانی داده شده است؟ آیا کتابخانه و کتابخوانی در مدرسه هیچگونه جایگاهی دارد؟ آنچه که قابل ذکر هست این هست که آموزش و پرورش باید کتاب خواندن را به عنوان یک عرف و عادت وارد زندگی روزمره افراد کند نه اینکه خود به دلیل عدم پرداخت بودجه به تشدید فرهنگ "مطالعه نکردن" و "کتاب نخوانی" دامن زند.

کتابخانه های تخصصی؛ ناشناخته های بوشهر

کتابخانه ها در بوشهر به دو دسته عمومی و تخصصی تقسیم شده و از بین مراجعه کنندگان نیز سه دسته پژوهشگر، مطالعه کننده درسی و مطالعه کننده غیردرسی قابل تقسیم می باشد. کتابخانه های دانشگاهی با کتابخانه های عمومی تفاوتهای زیادی دارد. کتابخانه های دانشگاهی وتخصصی تنها جهت رفع نیازهای پژوهشی می باشد و افراد برای مطالعه کمتر به این کتابخانه ها مراجعه می کنند. یکی از این کتابخانه های تخصصی، کتابخانه ی بنیاد بوشهرشناسی می باشد که تا حدود زیادی کتابهای تاریخی را به پژوهشگران ارائه می نماید. به گفته ی حمید رمضانی؛ مسئول این کتابخانه " این کتابخانه دارای ۲۵ هزار جلد و ۷۵۰ نفر عضو می باشد و بیشترین مراجعه کنندگان آن نیز دانشجویان می باشند." نکته ی جالب توجه در این کتابخانه، مخزن آن می باشد که به دلیل بافت قدیمی ساختمان از چندین اتاق مجزا حتا در دو طبقه جهت نگهداری کتابها استفاده می شود و کتابدار جهت ارائه ی کتاب به مراجعه کنندگان باید در طول روز به هر دو طبقه مراجعه نماید!!

از مسئولین چند کتابخانه تخصصی در خصوص تعداد کتابخانه های تخصصی در بوشهر پرسش شد و تنها به دو الی سه مورد اشاره نمودند. این نشانی از این نکته بود که مسئولین کتابخانه ها از حضور دیگر کتابخانه ها در حوزه ی تخصصی خود اطلاعی ندارند، حالا چگونه باید از شهروندان انتظار آن را داشته باشیم که به کتابخانه های تخصصی مراجعه نمایند. چرا که با مراجعه به یک کتابخانه تخصصی و رفع نشدن نیاز آنها در خصوص کتاب، راهنمایی وجود ندارد که آنها را به کتابخانه های دیگر در زمینه ی تخصصی مورد نیاز وی هدایت کند، چون شناختی در این مورد وجود ندارد!! و سامانه ی اطلاع رسانی هم در این زمینه طراحی نشده است.

چه باید کرد؟

به گفته ی بذرافکن:" بالندگی زبان مادری و توسعه زبان بومی نیاز به رشد دارد و این دو مثل یک ارگانیزم زنده، نیاز به مطالعه دارند. اگر روند مطالعه تا این اندازه پایین باشد آسیب جدی به زبان مادری ما نیز وارد خواهد آمد. چون عملن زبان رشدی ندارد." جهت جلوگیری از این امر مسئولین باید سعی نمایند تقاضا در خصوص کتاب را با افزایش عرضه ی آن از طریق روش ها و گفتمان های جدید تبلیغاتی به شهروندان ارائه نمایند. برای ترغیب شهروندان بوشهری به امر مطالعه باید از همان ابتدا معلمان ساعاتی از درس را به امر کتابخوانی در مدارس اختصاص دهند و کودکان را با فرهنگ کتابخوانی آشنا نمایند. همچنین باید جذابیت در مطالعه را برای کودکان و جوانان بالا برد و آنها را به مطالعه راغب نمود. از راهکارهای دیگر می توان به افزایش تقاضا جهت خرید کتاب از طریق بیلبوردهای تبلیغاتی با جذابیت بیشتر، ترویج ایستگاه های مطالعه در سطح شهر و برگزاری نمایشگاه های کتاب با تخفیف های ویژه اشاره نمود.

درنگ

آسیب شناسی فرهنگ مطالعه در شهر کاکی

سعید شیخیانی



کتابخانه نهادی اجتماعی است که در طول تاریخ تمدن در خدمت حفظ و نشر دانش بوده است و اهداف و آرمان های والایی همچون کمک به توسعه و اعتلای دانش بشر، بهسازی اوقات فراغت فرد و جامعه، برداشت و آرمان صحیح از قیود و فشارهای اجتماعی و سیاسی و ... است که هر یک از این اهداف و آرمان های خود زیر شاخه های بسیار دارد که تجزیه و تفسیر هر یک فرصتی بیش تر و مفصل تر می خواهد .

مگر نه اینکه کاکی از سال ۱۳۵۷ دارای کتابخانه عمومی شده پس چرا همه بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال با آن بیگانه ایم؟ درست است که بیش از ۳۰ سال می گذرد که مردم شهر من دارای کتابخانه هستند ولی چه کتابخانه ای، کتابخانه ای که در شمار کتابخانه های درجه ۵ هم قرار نمی گیرد.

کاکی شهری که همواره شاهد بالندگی دانشجویان و دانش آموزان در عرصه های علمی و فرهنگی بوده است. آیا عدالت است که باید دارای کتابخانه ای با این شرایط و ویژگی باشد . کتابخانه ای که فقط دارای ۱۸ هزار جلد کتاب می باشد. مهمترین موانع و چالش های کتاب و کتابخوانی در شهرم را بیان کرده و به طور مختصر در مورد هر کدام توضیحی خواهم داد.

۱-کهنه و قدیمی بودن بعضی از وسایل داخل کتابخانه از جمله میز و صندلی ها که دارای ارتفاع مناسب نبوده و پس از چند دقیقه نشستن باعث درد کمر و خستگی شدید می شود.

۲-شلوغی و سر و صدای اطراف کتابخانه که ایجاد نوعی آزار می کند و ذهن مطالعه کننده را از خواندن کتاب دور می کند.

۳-کوچک بودن سالن و فضای مطالعه به گونه ای که اگر ۱۰ نفر در سالن حاضر شوند حتی نفس کشیدن سخت می شود.

۴-کمبود که نه، نبود منابع دانشگاهی در کتابخانه.

۵-دسترسی نداشتن به کتابهای روز و تخصصی، به گونه ای که اکثر کتابها قدیمی و آن هم بیشتر کتب دبیرستان هست که دانش آموزان و دانشجویان هدیه کرده اند.

۶-عدم دسترسی خوب به اینترنت و سیستم، با وجود دو یا سه سیستم اما اکثرا یا در اتاقی که سیستم ها در آن وجود دارد قفل است و یا بهانه می آورند که سیستم ها خراب و اینترنت قطع است. و وقتی که همه چیز درست و وصل است باید از هفت خوان رستم بگذری : نامت چیست!کارت چیست! فقط مانده بگویند اموالت را در چه راهی خرج کردی که فکر کنی شب اول قبر است. در صورتی که پرداخت پول ضروری است جهت استفاده از سیستم.

۷-عدم همکاری کافی برخی کتابداران با مراجعین، به گونه ای که آنقدر به دنبال کتاب باید بگردی که عرق خستگی بر پیشانی ات نشیند. پس جوانان شهر من چگونه با ذوق و میل به سراغ کتابخانه بیایند.

۸-تعطیلی بی محابا کتابخانه و ایجاد فراوان همایش ها در سالن مطالعه در روزها و لحظاتی که مراجعین در حال مطالعه بوده و دقیقاً در لحظاتی که برای دانش آموز و دانشجو حکم مرگ و زندگی را دارد.

۹-عدم توجه مسئولین به کتابخانه در حالی که شهرداری باید درآمد نیم درصدی خود را به کتابخانه بدهد اما دریغ از ماهی صد هزار تومان. این دقیقاً حرف کتابدار است.

مهمترین محورهایی که در راستای تحقق این سیاست و نهادینه کردن فرهنگ کتابخوانی کاکی باید مد نظر قرار بگیرد عبارتند از :

۱- حاکمیت ارزش ها و مبانی اصیل اسلامی بر تمام فعالیت ها.

۲- حمایت از نویسندگان و اصل قلم متعهد (با توجه به پتانسیل و نیروی انسانی بالا و نویسندگان و پژوهشگران خوب در کاکی).

۳- استفاده از توان فکری و اجرایی عموم جامعه.

۴- حمایت از ناشران و مولفان برای حمایت از تولید کتاب های مفید و موثر.

۵- فعالیت مستمرتر و هدفمند برنامه سازان تلویزیون (به ویژه در استان بوشهر) و معرفی کتابها و در ساعات پر بیننده تلویزیون.

۶- گسترش جغرافیایی مراکز فروش کتاب و خارج کردن این بازار فرهنگی از مرکزیت خاص. با توجه به نبود یک کتاب فروشی خوب و نبود ایستگاه های فروش روزنامه بخش دولتی در اینجا باید وارد بازار شود.

۷- آموزش کتابخوانی و تاکید بر تاثیرات آن در مدارس به صورت پیوسته.



گبگوی دیروز و سرطان امروز


مهدی جهانبخشان

کوچک که بودم موجوداتی دریایی که به آن "گبگو" می گفتیم از دریا می گرفتیم و زنده زنده می جوشاندیم و پوسته سخت اش را می شکستیم ومی خوردیم، گوشتی لذیذ و خوشمزه ای داشت. بعدها که در کتابها چشممان به تصویر آن افتاد، دیدم به آن موجود دریایی "خرچنگ" می گویند. دیگر احساس نمی کردیم که گوشت گبگو می خوریم بلکه حس می کردیم گوشت خرچنگ می خوریم.

بچه ها راجع به خرچنگ اعتقاد عجیبی داشتند، می گفتند اگر جای حساس بدن را گرفت تا روز قیامت در چنگ خود خواهد داشت تا اینکه خری عرعر کند تا آن قسمت حساس را رها کند.

بعدها در تقویم دیدیم که نام عربی آن "سرطان" است و به یکی از ماههای قمری اطلاق می شود.

بزرگتر شدیم آن گبگوی دوران کودکی دیگر گوشت خوشمزه ای برایمان نداشت چون نام سرطان را برایمان تداعی می کرد که مردم هم آن را درد گران یا درد بی علاج می گفتند.

هر از گاهی، چند سالی یکبار خبر مرگ کسی را می شنیدیم که بر اثر سرطان جان سپرده است امروز اما این سرطان مثل سرماخوردگی به جان همه افتاده است معلوم نیست فردا خود آدم یا عزیز آدم در چنگال سرطان نیافتد.

بگذارید از کوچه خودمان شرحی در این خصوص بدهم: کوچه ما که در خیابان عاشوری واقع شده است و به نام کوچه شهید پورکبگانی خوانده می شود در این ده دوازده سال شاهد مرگ دوازده نفر بر اثر سرطان بوده است . ۵ زن و۷ مرد، در کوچه ای با متراژ۲۰۰متر و دو کوچه منشعب از آن به متراژ تقریبی ۵۰۰ متر... سرطان ها متنوع بودند سرطان خون، سرطان ریه، سرطان روده و...

آیا این زنگ خطری نیست برای جامعه ای که دوا و درمان در آن معضل بسیار بزرگی است و کمر اقتصاد خانواده را خرد می کند. چون متخصص نیستم نمی توانم به شایعات گوش بدهم که می گویند: پارازیت ها و امواج مختلف باعث سرطان شدند و چون اطلاع کافی ندارم نمی توانم مدعی شوم که گرد و غبارهای حاوی سم سیانور و مواد شیمیایی استفاده شده توسط ارتش صدام حسین در طی جنگ باعث و بانی این قضیه شده است.

البته شایعه دیگر نیز به گوشمان می خورد مبنی بر ورود فاضلاب به دریا، ارتزاق ماهی ها از این فاضلاب، آلوده شدن گوشت ماهی به امراض سرطانی و سپس تغذیه آن توسط مردمان شهر.

به نقل از کارشناسان حفاظت محیط زیست: "اثرات فاضلاب عمیقا از طریق ورود فلزات سنگین مثل جیوه ، سرب، مس، کادمیم و... به دریا بوده که اگر وارد چرخه حیات و یا چرخه زیستی گردد، در کبد و پوست ماهی تجمع می یابد (نه در گوشت آن). لذا در صورت جدا سازی پوست و جگر مشکلی ایجاد نخواهد کرد. از طرف دیگر میزان تجمع سموم در بدن انسان بستگی به سن و وزن و دریافت روز طی سالها داشته که احتیاج به بررسی دقیق دارد. شاید بعضی گونه ها سموم محیطی را در گوشت ذخیره کنند که آن نیز باید توجه شود که آیا گونه مورد نظر در سبد غذایی شهروندان می باشد یا نه؟ لذا بررسی سوابق پروژه های علمی می تواند به موضوع کمک نماید."

حرف و حدیث دیگری هم هست و آن استفاده بی حد از کود شیمیایی برای کشاورزی و آلودگی میوه ها و سبزیجات به مواد سرطان زا و سپس ارتزاق آنها توسط آدمی.

به گفته کارشناسان: "با توجه به اینکه بارکد برای محصولات کشاورزی وجود نداشته و هیچگونه نظارتی در این خصوص صورت نمی گیرد، استفاده از کود و سموم به صورت غیر علمی مطمئنا اثرات زیانباری را برای محیط- انسان و محصولات مورد استفاده خواهد داشت."

می توانید از طریق جستجو در اینترنت کلی مطلب در این خصوص جمع آوری نمایید.

وقتی که به آدمهای اطراف نگاه می کنم دچار اضطراب می شوم که مبادا در وجود کسانی که دوستشان دارم سرطان خانه کرده و روزی داغدارم نمایند. این دغدغه را باید برای مسئولان شرح دهم چون آنها نیز مصون نیستند.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر:
رفع محدودیت‌های فرزندان چهارم بیمه‌شدگان

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر ابلاغیه رئیس سازمان تامین اجتماعی در ارتباط با رفع برخی محدودیت‌های فرزند یا فرزندان چهارم و به بعد بیمه‌شدگان و مستمری بگیران را تشریح کرد.

عبدالمجید رازه با تشریح ابلاغیه رئیس سازمان تامین اجتماعی در ارتباط با رفع برخی محدودیت‌های فرزند یا فرزندان چهارم و به بعد بیمه‌شدگان و مستمری بگیران،اظهار داشت: این مصوبه بر اساس قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده که در خرداد ماه امسال از سوی مجلس تصویب شد، اجرا می‌شود.

وی بیان کرد: بر این اساس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تمام محدودیت‌های مقرر در قانون تنظیم خانواده و جمعیت که مصوب اردیبهشت ماه ۷۲ و اصلاحات آن و سایر قوانین که بر اساس تعداد فرزند برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده است، لغو می‌شود.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر تصریح کرد: از تاریخ ۲۹ تیر ماه امسال وصول حق سرانه درمان برای فرزند یا فرزندان چهارم به بعد تمام بیمه‌شدگان، مستمری‌بگیران و مقرری‌بگیران فاقد موضوعیت خواهد بود.

رازه اضافه کرد: از تاریخ مذکور اجرای آن بخش از مفاد بخشنامه‌ها و دستورات اداری مرتبط که مغایر موضوع این بخشنامه است متوقف می‌شود.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر تصریح کرد: بر اساس دستور رئیس سازمان تامین اجتماعی، مسئول حسن اجرای این بخشنامه مدیران کل واحدهای بیمه‌ای و درمانی و معاونان مربوطه، روسا و کارشناسان ارشد نام‌نویسی و حساب‌های انفرادی، امور فنی بیمه‌شدگان و امور فنی مستمری‌های ادارات کل استان‌ها و روسا، معاونان و مسئولان ذیربط در واحدهای بیمه‌ای، درمانی و دفاتر رسیدگی به اسناد پزشکی و شرکت مشاور مدیریت و خدمات ماشینی تامین است.

لاپورت اوضاع بلاد ابوشهر
اختلاف بر سر گماشتن خزانه دار ابوشهر

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله ماست
آنچه البته به جایی نرسد، فریاد است...

بهلول: چاکران خبر آورده اند که تنی چند از چاره جویان و مصلحت اندیشان مردم، خواب را بر خویش حرام و جمله ی امور را رها کرده بر سر گماشتن خزانه دار دربار به تدبیر مشغولند. مخبرها خبر از آن می دهند که ایشان بر سر آنکه کدام کس بر مسند نشیند و کدام ننشیند در جدالند و البته بر سر یک موضوع توافق دارند که اگر خزانه دار سابق برگردد، چه شود و چه نشود و همان به که برنگردد که ایشان نه با ما نشست کند و نه برخواست و نه از جنس ما باشد – ظریفی درآن میان عارض گشته که وی از جنس شما نیست اما از جنس عوام که هست– و ایشان التفاطی به حرف وی نکرده اند و ساز خویش بر همان سلک خلاف کوک کرده، دنبله مزقانی به راه انداخته، انتظار دارند خلایق نیز به سازشان برقصند.

نظر حضرات بر این است که اصلا خزانه دار نباید از سرزمین خودمان باشد، چه معنی می دهد کسی بیاید بر کرسی بنشیند که از حال ما آگه است و فردا روز نمی توانیم بر او خطی به نقد تحریر کنیم، همان به که از دیگر بلاد کسی را به این ملک دعوت کنیم که ما از خودی خیری ندیدیم و از اصل هم مردمانی مهمان نواز بوده ایم و حبیب خدا را بر جان خویش مقدم دانسته و بر نان سفره خویش اولی!!! مع الوصف اگر روزی هم آن نکرد که ما خواستیم یا آن کرد که مقبول طبع بلند ما نبود بهتر می شود اجدادش را از دل تاریخ بیرون کشیده و در محضرش به رقص آورد.

چونکه کار بدین جا رسید خلق همه به غرش درآمده که این اوضاع به مصلحت ما نیست و اگر خزانه دار سابق به جای خویش بازگردد موی از ماست ناکسان بیرون کشد و درهمی از خزانه کسر نگردد و ما به خرد ایشان را طلب کنیم و حضرات اکابر نیز بهتر است به رای ما وقعی نهند و از خرد جمع غافل نباشند.

گویا به نظر می رسد که هر سه شیخ بزرگوار فی الحال متفق القول در جواب فرموده اند: که ما به سرنوشت خلق آگه تریم تا خودشان و خلق ا... یکبار از خرد خویش به درستی بهره جسته اند و آن همان موقع بود که به افضل کیاست ما را به صدارت برگزیده اند و در باقی موارد جزء تنی چند که از چشمه فضائل ما بهره می جویند الباقی قدرت تشخیص امور نداشته و بهتر است در خانه نشسته و بگذارند ما آن کنیم که می دانیم بهتر است.

مخلص عرایض آنکه، فی الحال جدلی سخت بین شیوخ معظم و عوام در گرفته و حضرات حرف عاقلان عوام را به مصلحت ندانسته و عقلای عوام مصلحت شیوخ را وقعی نمی نهند. امید است که معجزه ای شود و آن شود که خلایق طلب کنند نه آنکه شیوخ مصلحت اندیش خواهند.

و من الله توفیق

شهرک نیایش کی تحویل داده می شود؟

یکی از پروژه های مهم ساخت و ساز در شهر بوشهر شهرک نیایش در کنار بیمارستان بوشهر است. مجری این پروژه شرکت تعاونی مسکن کارکنان ستاد منطقه دوم دریایی بوشهر است که در تاریخ ۸۷/۱/۲۸ شرکت تعاونی مذکور در مزایده عمومی شماره ۸۶/۱۱ به منظور خرید و تملک ۳۳ هکتار از اراضی نداجا شرکت و برنده مزایده گردید.

بعد از انجام عملیات زیرسازی که تقریباً تا نیمه دوم سال ۸۸ ادامه پیدا کرد، شروع ساخت و ساز و امضاء قرارداد بین شرکت و اعضا در بهمن ۸۸ انجام شد و مدت زمان تعهد به مدت ۲۴ ماه تعیین شد.

ساخت این پروژه در سه فاز ۱ و ۲و ۳ پیش بینی شده است که در مجموع ۲۵۰۰ واحد ساخته خواهد شد. ولی اولویت اول فاز ۱ می باشد که شامل ۶۰۰ واحد بوده و بر اساس قرارداد بین تعاونی مذکور با خریداران قرار بوده که در طی ۲۴ ماه یعنی تا بهمن ۹۰ واحدهای این فاز تحویل داده شود.

قیمت هر متر مربع در قرارداد اولیه ۲۵۰ هزار تومان تعیین شد که در سال ۹۰ به خاطر افزایش قیمتها به ۳۵۰ هزار تومان افزایش یافت و تا آنجا که اطلاع داریم، خریداران نسبت به سهم آورده خود اقدام نموده و تعاونی از این نظر مشکلی نداشته است.

بعد از وقفه های مکرر در تحویل شهرک نیایش به خریداران، بالاخره در آخرین جلسه اعضاء و مدیران تعاونی قرار شد که این پروژه در تاریخ ۱۲ فروردین ۹۲ (روز ارتش) تحویل داده شود که در موعد مقرر نیز تحویل داده نشد و بعد به خرداد همان سال و بعد به مهر و تا الان به زمان مبهم وعده داده شده و پروژه با تاخیر زیاد هنوز به پایان نرسیده، یعنی از ۲۴ ماه به ۴۸ ماه و احتمالاً با شواهد موجود، پایان آن به این زودی ها نیست.

این در حالیست که بیشتر مصالح و لوازم ساختمانی (تقریباً ۸۰-۷۰ درصد) طبق گفته مدیران شرکت از قبل خریداری شده است.

اکنون و با این وقفه درازمدت، خریداران که اکثرا کرایه نشین بوده و فاقد مسکن هستند با مشکلات زیادی روبرو شده اند و از طرفی این بیم نیز می رود که برای تسریع در تحویل، کیفیت فدا شده و واحدها از کیفیت لازم برخوردار نشوند. از مسئولان تعاونی که تا کنون زحمت زیادی برای ساخت این پروژه متحمل شده اند تقاضا داریم که بفکر خریداران که با هزار زحمت، سهم آورده خود را تامین نموده اند باشند و نگذارند که با وقفه بیش از این، بر مشکلات خریداران افزوده گردد.

(یکی از خریداران واحد شهرک نیایش)



موافقت نماینده شیراز با جدائی قسمتی از هرمزگان و مخالفت با جدائی قسمتی از فارس

جعفر قادری در جمع خبرنگاران با اشاره به اینکه تذکرات لازم به برخی از نمایندگان و ائمه جمعه استان هرمزگان در خصوص اعتراض به مصوبه دولت داده شده، تاکید کرد: بحث اتصال استان فارس به خلیج فارس کاری قانونی و انجام شده است. وی تصریح کرد: این اتصال هیچگونه مشکل قانونی ندارد و در حال حاضر نیز مراحل رسمی خود را طی می کند. نماینده شیراز در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه حد فعالیت نمایندگان مجلس مشخص است، یادآور شد: در بخش تقسیمات کشوری بیش از اندازه اعتراض کردن جایز نیست. نماینده شیراز در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سئوالی در خصوص برخی از فعالیت ها برای جدا شدن بخش جنوبی استان فارس، گفت: ما مخالف توسعه و پیشرفت نقاط مختلف استان فارس نیستیم اما با اتصال فارس به خلیج فارس بحث تقسیم شدن استان از این منطقه غیر ممکن است. قادری تاکید کرد: هر منطقه که فکر می کند که می تواند خود را جدا کند و این حرکت برای پیشرفت مردم آنها مناسب است ما مخالفتی نداریم اما این حرکت در منطقه جنوبی استان فارس غیر ممکن است.

فداکاری صیاد گناوه ای فراموش نشود



حدود پنج سال از نجات جان ۲۲ مسافر اتوبوس دریایی غرق شده در مسیر جزیره خارگ به بندرگناوه گذشت اما هنوز سپاسی درخور شأن این صیاد فداکار که در یک هوای طوفانی در خلیج فارس با به خطرانداختن جان و مال خود اجازه نداد، خانواده این دانشجویان داغدار شوند، صورت نگرفته است.

ظهراب رستمی که همراه برادرزاده خود درهشتم آبان سال ۸۸ در یک روز طوفانی درحال بازگشت از صید، روی آب های متلاطم خلیج فارس اشیایی برجای مانده از یک شناور شکسته را مشاهده کرد و متوجه شد حادثه ای ناگوار به وقوع پیوسته است.

سرنشینان شناور درحالی که روی آب های سرگردان، وحشت زده برای نجات جان خود دست و پا می زدند، این صیاد همانند فرشته ای به کمک مسافرانی که حتی آشنایی با فن و اصول شنا نداشتند، شتافت و آنان را که امیدی برای زنده ماندن نداشتند از یک حادثه دردناک نجات داد.

این صیاد توانست به صورت معجزه آسایی مسافران این اتوبوس دریایی را که بیشتر آنان دانشجو بودند از روی آب گرفته و با قایق خود که هر لحظه امکان واژگون شدن آن به دلیل وزن بیش از حد وجود داشت به ساحل خلیج فارس برساند.

صیاد گناوه ای در بدترین شرایط دریا که جان خودش نیز در خطر بود توانست دست به کاری بزرگ و بی نظیر بزند و همانند فرشته ای بر سر غرق شدگان حاضر شود و آنان را پس از دوساعت تلاش به صورت معجزه آسایی ازمرگ نجات دهد.

اگرچه دراین مدت چند ساله ازاین صیاد فداکار گناوه ای به طور شایسته تجلیل و قدردانی نشده اما ضرورت داشت که مسوولان در پنجمین سالروز این حادثه مهم از این صیاد تجلیل می کردند.

ظهراب رستمی که همسرش چندین سال گرفتار یک بیماری صعب العلاج بود و با وجود مراقبت های زیاد و هزینه های گزاف در تابستان امسال دار فانی را وادع گفت بزرگترین آرزوی خود را سلامتی و تندرستی مردم بویژه بیماران بستری شده در بیمارستان ها خواند و گفت: برطرف کردن مشکلات و برآورده کردن نیازهای صیادان این شهرستان انتظاراتی است که از مسوولان دارم.

وی افزود: از زمان آن حادثه حتی تاکنون نجات یافتگان و خانواده آنان هیچ تماسی با من نداشتند.

رییس شیلات گناوه با قدردانی از فداکاری این صیاد گفت: این صیاد از صیادان مروج (گروه همت ماهیگیری) به عنوان رابط بین شیلات و جامعه صیادی است که توانست با نجات جان ۲۲ مسافر شناور غرق شده در دریا کاری بزرگ و شایسته ای انجام دهد که تا ابد ماندگار بماند.

مهدی ابراهیمی افزود: اداره شیلات به منظور پاسداشت رشادت های این صیاد از ایشان تجلیل خواهد کرد.

مدیرکل بنادرماهیگیری سازمان شیلات ایران در سفرسال گذشته خود به گناوه گفته بود: به پاس ایثارگری و زحمات انسان دوستانه ظهراب رستمی صیاد فداکار شهرستان گناوه، پیشنهاد ثبت روز صیاد در تقویم ملی کشور به مراجع ذی صلاح ارایه شده است.

محسن علی گلشنی افزود: این صیاد با به خطر انداختن جان و مال خود در هشتم آبان سال ۸۸ فرشته نجات ۲۲ مسافر دریایی در مسیر جزیره خارگ به بندر گناوه شد که شایسته است به نحو ممکن فداکاری این صیاد نه تنها در سطح ایران بلکه در جهان معرفی تا در اذهان و خاطرات همیشه ماندگار و جاودان بماند.

وی اظهارکرد: نام این صیاد به عنوان فردی که توانسته در حوزه دریانوردی کشور خدمات ارزشمندی ارایه دهد از طرف جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی بنادر ودریانوردی از طریق سازمان متبوعه معرفی شده است.

وی گفت: ثبت نام این شخصیت در سازمان جهانی بنادر و دریانوردی افتخاری ارزشمند و مهم برای کشور و استان بوشهر بویژه شهرستان گناوه خواهد بود.

منبع: ایرنا

معلم مدرسه سارق سیم های برق از آب در آمد!

اهالی روستای شلدان شهرستان دشتستان برای شرکت در یک مراسم عروسی به روستای همجوار خود رفته بودند و پس از بازگشت از عروسی متوجه می شوند برق یکی از کوچه ها کاملا قطع و محله در تاریکی فرو رفته است. به گزارش جنوب نیوز، ساکنین کوچه با بررسی موضوع درمی یابند که سیم های برق محله خود به سرقته رفته و بلافاصله با ردیابی جای پای سارقین به درب منزل آموزگاری که در سال جدید برای تدریس به تنها دبستان روستا آمده بود، می رسند. دهیار روستا نیز با گزارش به پاسگاه انتظامی شهر بوشکان مأمورین انتظامی را از سرقت با اطلاع کرده و آنها نیز در محل حضور پیدا نموده و با بازرسی از خانه معلم روستا ابزار قطع سیم و سیم های برق مسروقه که حدود سیصد کیلو وزن داشته را کشف و ضبط می کنند.

در این رابطه معلم مدرسه به همراه سه همدست خود دستگیر و به مراجع قضائی شهرستان دشتستان تحویل داده شدند.

مقابله با اضطراب اجتماعی

زیبا شکارچی - کارشناس ارشد علوم اجتماعی

تقریباً همه ما برخی از علائم اضطراب اجتماعی را در برهه‌ای از زمان تجربه کرده‌ایم: عرق کردن یا لرزش هنگام ارائه یک سخنرانی، خجالت یا تنفس سریع به هنگام تقاضای قرار ملاقات و ضربان قلب چکشی یا حالت تهوع در حین انجام مصاحبه کاری، همه و همه مثال‌هایی از این موضوع هستند.

اما برای بسیاری از ما، اضطراب اجتماعی در تمامی موقعیت‌های اجتماعی اتفاق نمی‌افتد. این مشکل با روال عادی زندگی ما مانند فعالیت‌های کار و خانواده تداخل نمی‌کند. تا ۹۵ درصد از ما گاهی اوقات در هنگام جلسات، ملاقات افراد جدید در میهمانی، ارائه سخنرانی یا صحبت در گروه‌های آموزشی احساس ناراحتی و اضطراب می‌کنیم. حتی اگر اضطراب اجتماعی روی تمام موقعیت‌های زندگی‌تان سایه نیانداخته است، شاید بخواهید در آن موقعیت‌های محدود نیز احساس اعتماد به نفس و راحتی بیشتری بکنید.

پس چگونه می‌توانید این بار از اضطراب شدید و تپش قلب‌تان در برخی از موقعیت‌ها و تماس‌ها جلوگیری کنید؟ در اینجا ۳ راه‌کار را به شما ارائه می‌دهیم:

اصلاح آنچه که از لحاظ جسمی احساس می‌کنید

اضطراب اجتماعی با علائم فیزیکی مانند عرق کردن، لرزش و افزایش ضربان قلب همراه است. بنابراین اگر در مورد سخنرانی‌ای که باید ارائه دهید مضطرب و نگران هستید، شاید وقت آن نباشد که یک لیوان دیگر اسپرسو یا نوشیدنی انرژی‌زا بنوشید. زیرا بدین وسیله شما پاسخ فیزیولوژیکی اضطرابی‌تان را تغذیه و تقویت می‌کنید.

در عوض، خوب است که به ورزش‌های هوازی، تنفس عمیق، مدیتیشن، یا یوگا بپردازید – یعنی فعالیت‌هایی که همه با آرامش و کاهش اضطراب مرتبط هستند – را انجام دهید. محققان دانشگاه استنفورد دریافتند که آموزش مدیتیشن به تمرکز حواس در افراد مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی بسیار کمک کرده است.

اصلاح آنچه که به آن فکر می‌کنید

هنگامی که شما در حال آماده شدن برای یک مصاحبه شغلی هستید، افکار و تفاسیری را که در ذهن خود می‌پرورانید قطعاً می‌توانند روی سطح اضطراب تان تأثیر گذاشته و آن را افزایش دهند.

آیا شما فکر می‌کنید که «بهتر است حتی یک اشتباه هم نکنم» یا اینکه «من باید تأثیر اولیه خوبی روی مصاحبه کنندگان بگذارم»؟ این نوع از دستورالعمل‌های ذهنی مانع آرام ماندن شما می‌شوند.

ترفند این است که از این پیام‌های ذهنی آگاه شوید و سپس آنها را به چالش بکشید. «آیا این افکار، واقع بینانه‌اند؟ بدترین چیزی که می‌تواند رخ دهد چیست، چرا این امر تا این حد وحشتناک است؟ حتی اگر من از اولین جلسه مصاحبه بیرون بروم و مصاحبه کننده دیگر نخواهد مرا ببیند، آیا این موضوع پایان زندگی من است؟» استفاده از قلم و کاغذ کمک می‌کند تا افکار درونی خود را شناسایی کرده و آنها را به طور واقع بینانه بررسی کنید.

یک استراتژی دیگر: خودتان را در حالی تصور کنید که از پس آن موقعیت اجتماعی به خوبی برمی‌آیید. البته خودتان را ایده‌آل و بی‌نقص نیز تصور نکنید زیرا این کار فشار روی شما را افزایش می‌دهد. اما فقط همانند یک ورزشکار حرفه‌ای، ذهن‌تان را برای مسابقه‌ای که پیشرو دارید آماده کنید؛ سعی کنید تجسم کنید که همه چیز در جلسه‌ای که پیشرو دارید به خوبی پیش می‌رود.

شما ممکن است همیشه قبل از صحبت کردن در مقابل عموم کمی مضطرب شوید. اما هر قدر بیشتر مقابل جمع صحبت کنید، احساس اضطراب کمتری خواهید کرد. همه چیز به تمرین کردن بستگی دارد. شما اعتماد به نفس پیدا می‌کنید و مهارت‌های لازم را برای مقابله در چنین موقعیت‌هایی به دست خواهید آورد. به تدریج روی خودتان کار کنید؛ اگر از نواختن پیانو در مقابل جمع وحشت دارید، قبل از اینکه خودتان را برای اجرا روی یک صحنه در مقابل ده‌ها هزار نفر مخاطب آماده کنید، ابتدا در مقابل چند نفر از دوستان یا همکاران‌تان پیانو بنوازید. کارگاه‌های روان‌شناسی و دوره‌های آموزش ابراز وجود نیز می‌توانند به توسعه مهارت‌های اجتماعی خاص در شما کمک کنند.

این مهم است که اجازه ندهید مضطرب شدن‌تان شما را از اجتماعی بودن منع کند، چرا که انسان به تماس مکرر و منظم با دیگران نیاز دارد. اگر از دیگران ببریم به اهدافمان نمی‌رسیم و به احتمال بیشتری به مشکلات مختلف دچار می‌شویم. انزوای اجتماعی با افسردگی، استرس عاطفی و افزایش خطر ابتلا به بیماری عروق کرونر قلب و مرگ مرتبط است.

هر کسی گاهی اوقات با خود فکر می‌کند من واقعاً دلم نمی‌خواهد به این مهمانی بروم؛ اما اگر شما این کار را بیش از حد انجام می‌دهید، اضطراب اجتماعی‌تان رو به افزایش می‌رود. اگر این سه تکنیک را بر روی بدن، افکار و رفتارتان اجرا کنید، بسیار احتمال دارد که اضطراب‌تان در موقعیت‌های اجتماعی کاهش پیدا کند.



نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۷۱۶- یک شنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

دیدار دریانوردان و ملوان انزلی نیمه تمام ماند!



دیدار حساس و جنجالی نیمه نهایی لیگ برتر فوتبال ساحلی نیمه کاره رها شد.
به گزارش فوتبال بوشهر – در این دیدار که با استقبال کم نظیر فوتبال دوستان بوشهری مواجه شده بود شیرهای پابرهنه بوشهر در حالی با نتیجه ۳ بر ۱ از میهمان شمالی خود پیش بودند که حرکات زشت و زننده دروازبان ملوان انزلی ، باعث تحریک هواداران بوشهری شد تا این دیدار حساس نیمه تمام مانده و کار به تصمیمات کمیته انضباطی کشیده شود.این بازی با حضور مدیرکل ورزش و جوانان و دیگر اهالی فوتبال استان برگزار شد. باید دید کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال با توجه به ترک زمین از سوی انزلی چی ها چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد؟!

شاهین خلیج فارس یا شاهین نوین از فصل آینده ؟

به گزارش سایت رسمی کانون هواداران شاهین بوشهر ، طبق آخرین خبرهای دریافتی جمعی از پیشکسوتان و بزرگان باشگاه شاهین در نظر دارند باشگاه شاهین خلیج فارس و یا شاهین نوین را تاسیس کنند. بر اساس همین گزارش ، گفته می شود بزرگان و پیشکسوتان شاهین تصمیم دارند با تاسیس باشگاه شاهین خلیج فارس و یا شاهین نوین و خرید امتیاز لیگ دسته یک در فصل آینده در رقابتهای لیگ دسته یک باشگاههای کشور حضور یابند.

کسب مدال برنز مسابقات تیراندازی آسیا توسط فاطمه کرمزاده



فاطمه کرمزاده عضو هیئت تیراندازی استان بوشهر که مدت ۲ سال عضو تیم ملی تیراندازی جمهوری اسلامی ایران است موفق به کسب مقام سوم تیمی در مسابقات آسیایی تیراندازی با تفنگ بادی۱۰ متری که در تهران برگزار گردیده بود شد.شایان ذکر است فاطمه کرمزاده در سه رشته تفنگ بادی ۱۰ متری، تفنگ خفیف درازکش ۵۰ متری و تفنگ سه وضعیت ۵۰ متری فعالیت میکند.

سخنی با اعضای شورای شهر و شهرداری بوشهر

وعده های انتخاباتی خود را در حمایت از فوتبال بوشهر فراموش نکنید

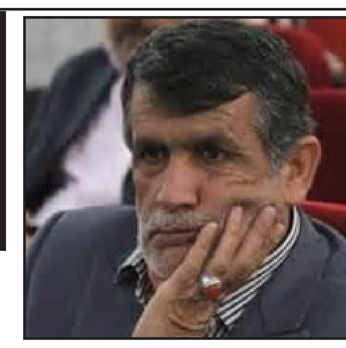
عبدالرضا کللی

به جرأت می توان گفت که استان بوشهر تنها استانی است که هیچ کدام از تیمهای فوتبال از حمایت نهادهای دولتی و غیر دولتی حمایت نمی شوند و این مهم برای استانی سرشار از نعمتهای خدادادیست امری عجیب و قابل تأمل است که متاسفانه هنوز راهکاری اصولی و عملی برای خروج از این بحران های مالی که باشگاهها با آن دست و پنجه نرم می کنند اندیشیده نشده است.
در میان تمامی نهادها و دستگاههای اجرایی که توان هزینه نمودن در ورزش را دارند باید سراغ شورای شهر و شهرداری گرفت که علیرغم فعالیت شهرداری ها در اقصی نقاط ایران هنوز شورای شهر و شهرداری بوشهر در این زمینه اقدام خاصی را انجام نداده است.
بدون شک همگان به یاد دارند که در دوره انتخابات شورای اسلامی شهر بوشهر اکثر کسانی که هم اکنون رأی آوردند در گفتگوها و مصاحبه های خود (که مستندات آن نیز موجود است) از حمایت از ورزش و برنامه ریزی های مدون سخن می گفتند و بعضاً وعده هایی نیز داده می شد.
در این میان حضور با چهره های ورزشی در شورا امید بیشتری به حمایت از ورزش و فوتبال بود که هنوز حرکتی در این خصوص دیده نشده است.
اما جای سئوال اینجاست چرا در استانهای دیگر و حتی شهرهای بسیار کوچک، شورای شهر و شهرداری تیمداری می کنند، اما فقط در بوشهر این امر میسر نیست. اگر به گوشه و کنار کشور سر بزنیم تیمهایی نظیر شهرداری تبریز، شورای شهر و شهرداری ماهشهر، شاهد شهرداری فیروزآباد، شهرداری تیران، شهرداری همدان، شهرداری اردبیل، شهرداری لنگرود، شهرداری اراک، شهرداری دزفول و... در لیگ های مختلف کشوری فعالیت دارند اما در بوشهر، شاهین، ایرانجوان، توحید و دریانوردان و در دیگر شهرهای استان پرسپولیس گناوه، ایرانجوان خورموج و کارگر بنه گز همواره اندر خم یک کوچه اند. راستی همای دیلم و نادری بوشهر کجا رفتند؟ شاهین را چه شد؟



دوستان و بزرگوارانی که به عنوان نماینده مردم و با رأی همین مردم بر کرسی شورای شهر نشسته اید بدانید که بخش عظیمی از حمایت ها در ایام انتخابات را از شما ورزش دوستان انجام دادند و توجه به امر ورزش و در پی آن فعالیت سالم جوانان در دست شماست.
باید بدانید فوتبال بوشهر با سابقه ای طولانی در کشور هم اکنون در مشکلات عدیده مالی در حال غرق شدن است و فریادرسی نیست و چگونه است که هم اکنون استان بوشهر با آن همه عظمت و نام بزرگش که پسوند پایتخت انرژی را با خود به یدک می کشد هم اکنون از نظر مالی از شهرهای کوچکی همچون فیروزآباد، تیران، لنگرود، ماهشهر، دزفول و... عقب افتاده است و این واقعیت را باید پذیرفت.
در فوتبال فقیر بوشهر امروز بازیکنان بی ادعای دریانوردان و توحید، بدون دریافت ریالی به میدان میروند و ایرانجوان صدرنشین لیگ یک در میان مشکلات عدیده مالی رنج می کشد و هواداران شاهین هم که فقط وعده شنیدند و بس.
شورای شهر و شهرداری می توانند بخشی از این مشکلات را حل کنند، این شرایط نیازمند یک بازنگری کلی است لطف کنید حداقل از شهرهای دیگر الگو برداری کنید و این فوتبال بی پول رو به زوال را سرو سامان دهید.

گزارش ۹۰ از تقلب سازمانی در انتخابات هیات فوتبال بوشهر



گزارش برنامه نود از اتفاقات مجمع هیات فوتبال بوشهر تقلب در رأی گیری این هیات را به طور کامل به نمایش گذاشت.
به گزارش سایت گل؛ در حالی که خود کفاشیان هم روی خط برنامه نود بود گزارشی از بوشهر پخش شد که از شرایط غیرعادی رأی‌گیری هیات فوتبال بوشهر پرده برمی داشت.
به گفته دوانی رئیس پیشین هیات فوتبال بوشهر کفاشیان (برخلاف مرتبه گذشته که مقابل وزارت ورزش ایستادگی کرد تا هادی آیت‌اللهی رئیس هیات فوتبال استان فارس بشود)
این‌بار در توافق با وزارت ورزش به روی پایان کار دوانی به جمع‌بندی رسیده بود و بنابراین کمک کرد تا نامزد مورد نظر وزارت در مجمع بوشهر رای بیاورد اما این رای‌گیری یک اشکال بزرگ دارد و این آن است که دو نفر، (مدیران دو باشگاه حاضر در مجمع) اعلام کردند رای از طرف باشگاهان آن به صندوق ریخته شده غیرقانونی است چون بدون اطلاع ایشان و با حضور افراد قلابی انجام شده است.
این دو با چهره روشن و با شجاعت کامل این حرف‌ها را مقابل دوربین به زبان آورند. در آن لحظه اگرچه کفاشیان که بهت زده هم بود، گفت هویت افراد رای دهنده احراز شده اما مشخص بود که می داند راستش را نمی گوید.
البته ماجرا به اینجا ختم نمی شود و فردوسی پور در برنامه نود قول داد تا این موضوع را پیگیری کند و بنابراین در صورت اینکه او حرفش را به کرسی بنشاند مجمع هیات فوتبال بوشهر از اکثریت افتاده و غیرقانونی محسوب می شود چیزی که کفاشیان قبولش ندارد. جالب اینکه با وجود پخش تصاویر و استنادات درست، او هم تاکید داشت که افراد رای دهنده حاضر در مجمع شناسایی شده‌اند و مو لای درز کار نمی‌رود ...
نکته دوانی صلاحیت اداره فوتبال بوشهر را دارد نکته مهمی نیست، نکته مهم این است که متاسفانه وزارت ورزش و این‌بار فدراسیون فوتبال از روش‌های غیرفیرپلی در انتخابات دموکراتیک استفاده می کنند. همان کاری که به روش دیگر در انتخابات شیراز انجام شد و با وجود پیگیری‌های عادل فردوسی پور و البته سایت گل هیچ اتفاقی رخ نداد.
شما فکر می کنید این‌بار چه اتفاقی بیفتد؟
کفاشیان در مرتبه قبلی با وجود احراز تخلفات پای هادی آیت‌اللهی ایستاد و ریاست او را باطل نکرد، (تازه آن در شرایطی بود وزارت ورزش علیه کفاشیان و انتخاب آیت‌اللهی بود و می خواست این عضو با نفوذ شیرازی فدراسیون را کله کند) اما وزارت ورزش این‌بار با فدراسیون فوتبال هماهنگ است و قاعدتا اتفاقی نخواهد افتاد در این بین تنها رسانه‌ها هستند که می توانند مقابل این جریان و این اتفاقات فاجعه‌آمیز بیاستند که البته مشخص نیست حوصله‌اش را داشته باشند یا نه.
بعد از اتفاقات مربوط به صورت‌های مالی فدراسیون ماجرای انتخابات بوشهر نکته مهمی در خود دارد چیزی که نشان می‌دهد پشت صورت خندان علی کفاشیان مغزی است با تحلیل و به قول صادق درودگر استاد و آشنا به پیچ و خم و سیاست.
اینکه او توانسته است از همه این ماجراها جان سالم به در ببرد و عصرها به جاده سلامتی مجموعه انقلاب برود و تک و تنها در آنجا بدود موضوع خیلی مهمی است. شما هم کفاشیان را دست کم نگیرید.

بازیکن ایرانجوان:

دیگر توان و روحیه حضور در تمرینات را نداریم

بازیکن گرگانی ایرانجوان بوشهر با انتقاد از مشکلات مالی تیمش گفت: مردم و هواداران ما بدانند برای رفتن به آرایشگاه ۲۰ هزار تومان از مصطفی احمدی بازیکن تیم قرض گرفتم.
وحید نعمتی در گفت‌وگو با فارس با انتقاد شدید از شرایط مالی تیمش، صدرنشینی ایرانجوان را مدیون صداقت بازیکنان و کادر فنی تیمش دانست. نعمتی گفت: تیم ما در حضور تیم‌های پولدار لیگ یک صدر جدول قرار دارد اما در بدترین روزهای زندگی ورزش خود به سر می‌بریم.
بازیکن ایرانجوان بوشهر تصریح کرد: این چه رسمی در بوشهر جا افتاده، فصل گذشته در شاهین آن اتفاقات افتاد و تیم سقوط کرد در حالی که ریالی را دریافت نکردیم، این فصل هم با وجود داشتن پیشنهادات زیاد از تیم‌های لیگ یکی به مسئولان باشگاه ایرانجوان اعتماد کردیم اما تا این لحظه یک ریال هم دریافت نکرده‌ایم.
مدافع چپ گرگانی ایرانجوان بوشهر ادامه داد: مردم و هواداران ما بدانند برای رفتن به آرایشگاه ۲۰ هزار تومان از مصطفی احمدی بازیکن تیم قرض گرفتم، خدا را گواه می گیرم جیب ما بازیکنان بخصوص غیر بومی‌ها که از خانواده هم دور هستیم خالی خالی است، مگر ما خانواده نداریم، چند ماه است در بوشهریم یک مسئول نیامده حتی به ما دلگرمی بدهد، با این بازیکنان جوان و گمنام شاهکار کرده‌ایم. اما دریغ از یک پاداش صد هزار تومانی.
وی ماندن در بوشهر را با این شرایط غیر ممکن دانست و تصریح کرد: کادر فنی ما انسان‌های شریف و نجیبی هستند تا این لحظه هم اگر سکوت کرده‌ایم به احترام این عزیزان و هواداران باشگاه بود اما صبر هم حدی دارد.
بازیکن ایرانجوان بوشهر ادامه داد: محمد ویزواری از زن و بچه‌اش دور است و چند ما اجاره خانه‌اش در گرگان عقب افتاده، صاحب خانه او را تهدید کرده، آخر این کجای انصاف است، ما با تمام وجودمان برای ایرانجوان و مردم بوشهر به میدان رفته‌ایم که شکر خدا نتایج آبرومندی هم گرفته‌ایم.
بازیکن ایرانجوان گفت: اگر مسئولان استان بوشهر فوتبال نمی‌خواهند صادقانه به ما و فوتبال دوستان بگویند تا حداقل تکلیف خود را بدانیم دیگر توان و روحیه حضور در تمرینات را نداریم و قصد داریم بوشهر را ترک کنیم.

دل پر درد قائم مقام ایرانجوان / ایرانجوان نوش جان شمسا



به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، سیروس دهقان در پانزدهمین نشست علنی شورای شهر بوشهر با بیان اینکه اعضای شورای شهر نخبگان این شهر بودند که به نمایندگی از مردم انتخاب شدند، گفت: قانون اجازه اظهار نظر پیرامون بعضی از موضوعات که در چهار چوب خاصی قرار دارد به اعضای شورا نمی‌دهد.
وی با بیان اینکه از اظهار نظر بدون سند اکبر شمسا متاسف است، افزود: ایشان باید قبل از اینکه به قول خودشان صحبت‌های مردم را به شورا انتقال دهند ازاصل ماجرا با خبر می‌شدند و اذهان عمومی را دچار خدشه نمی‌کردند.

به دلیل حرف‌های عضو شورا بنده زمین‌خوار معرفی شدم

قائم مقام ایرانجوان با بیان اینکه من دارای شخصیت حقیقی و حقوقی در این شهر هستم، افزود: حرف‌های شمسا موجب شده من در اذهان عمومی و تمامی سایت‌ها، مطبوعات و روزنامه‌ها به عنوان زمین خوار معرفی شده و اعتبار چندین و چندساله‌ام را به خاطر حرف‌های بدون سند کسی که خود را نماینده مردم می‌داند در معرض خطر ببینم.
وی روی صحبتش را به‌طور موقت از اکبر شمسا برگرداند و خطاب به رئیس شورا گفت: در زمان کوتاهی که در خدمت ایرانجوان بودم کارهایی انجام دادم که قیمتش خیلی بیشتر از کارهای کوچک بعضی مسئولان بود.
وی با بیان اینکه در سال گذشته آقای پورکبگانی و اعضای هیئت مدیره ایرانجوان پیشنهاد استفاده از چند تکه زمین ایرانجوان برای حل مشکلات مالی به من دادند، افزود: وقتی زمین را دیدم یک سرمایه گذار قطری را بر سر زمین آورده و وی پیشنهاد ساخت یک هتل برای ایرانجوان داد تا در کنارش هزینه باشگاه تامین شود که متاسفانه زیر ساخت این مهم مهیا نشد.
وی بابیان اینکه بعد از مدتی دوباره اعضای هیئت مدیره این موضوع را با من مطرح کرده، افزود: به آن‌ها پیشنهاد کردم زمینی که پانزده سال است متروک شده است را می‌توانیم آنرا به دانشگاه پیام نور واگذار کرده و پانزده تا بیست میلیارد تومان در کنار آن به باشگاه خواهد رسید که می‌توان آنرا سرمایه گذاری کرده و مشکلات باشگاه را حل کرد.
قائم مقام ایرانجوان با اشاره به اینکه اعضای هیئت مدیره و مسئولان پیام نور وقت آن زمان با پیشنهاد من موافقت کردند، افزود: متاسفانه مشکلات همیشگی استان گریبانگیر ما شد و به جای اینکه خود حرکتی کنند و یا به ما کمک کنند سنگ جلوی پای ما انداختند.
وی با بیان اینکه دوباره با آقای کازرونی(واقف زمین‌های مذکور) در این مورد صحبت کردیم، گفت: از وی خواهش کردیم دوهزارو دویست متر از زمین که خدشه‌ای به زمین فوتبالشان وارد نکند به ما بدهد تا یک مجتمع تجاری، تفریحی، فرهنگی، ورزشی تاسیس کنیم تا قسمتی که خود باشگاه از آن بهره مند می‌شود بتواند سالیان سال از آن استفاده کند تا از آن به‌عنوان ارزش افزوده استفاده کنیم.
دهقان با بیان اینکه اعضای هیئت موسس مدیره، هیئت موسس با این پیشنهاد موافقت کردند، افزود: قرار شد این دو تکه زمین از هم جدا شده و باید هرکدام سند جداگانه‌ای برای اجاره می‌خورد و اجاره باشگاه ایرانجوان با موقوفه کازرونی سه ساله بوده و حق قانونی دارد و اگر استفاده نشود این زمین به صاحب اصلیش برگردد و قرارداد باطل شود.
وی در ادامه گفت: قرارداد مورد نظر بسته شده و برای انجام کارهای قانونیش همراه با مدارک به شهرداری و اداره ورزش و جوانان رفته و آنجا هم قرارداد را امضا کرده با شرایطی و تعهد دادیم که اگر طی این یکسال ساخت و ساز صورت نگیرد زمین را به افراد دیگری واگذار کند.

آقای شمسا با چه مدرکی قیمت زمین را مشخص کرده‌اید؟

دهقان بار دیگر رو به اکبر شمسا گفت: شما با چه مدرکی می‌گویید که من اسپانسر تیم هستم؟ وی در ادامه گفت: مالکیت زمین زمانی مالکیت حساب می‌شود که بحث اجاره در پیش نباشد ما مستاجر زمین موقوفه بودیم نه مالک و تنها زمین در اختیار ایرانجوان زمین (امام رضا) بوده است.
وی در ادامه گفت: آقای شمسا شما با چه مدرکی زمین را کارشناسی کرده و قیمت گذاشته‌اید؟
دهقان خطاب به شمسا گفت: در این شانزده جلسه شورا چه خدمتی برای ورزش استان انجام داده‌اید که اکنون نگران هواداران ایرانجوان هستید.
وی خطاب به شمسا گفت: شما در دو دوره به ایرانجوان ضربه زدید، احتیاجی نیست خود را نگران باشگاه نشان دهید در حالی که نمی‌دانید چه کسی سال گذشته تمام هزینه‌های بازیکنان را متقبل شده بود.
وی با بیان اینکه از خودم با مدارک و اسناد دفاع خواهم کرد، افزود: ایرانجوان از امروز به سمت شاهین رفت و بازیکنان من از امروز تیم را ترک کرده و خودم هم از امروز کاری به ایرانجوان ندارم تیم برای آقای شمسا باشد که دلشان می‌سوزد.
وقتی سیروس دهقان صحبت‌هایش به پایان رسید جلسه را ترک کرد خبرنگار فارس برای کسب اطلاع از دیگر اتفاقات ایرانجوان به دنبال دهقان رفت و دهقان نیز که به شدت ناراحت بود، گفت: سال گذشته یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان به ایرانجوان کمک کرده و ۳۰۰ میلیون کمک بلاعوض کرده‌ام.
وی با بیان اینکه عاشق بوشهرم گفت: می‌خواهم ایرانجوان بهترین باشد تا دوباره شور و نشاط به این شهر برگردد.
دهقان گفت: دلم می‌سوزد بازیکن تیمم ۲۰ هزار تومان ندارد و از دوستش قرض می‌گیرد وقتی با جان و دل بازی می‌کنند و در اوج بی پولی صدر جدولند.
وی در پایان گفت: مسئولان باید به فکر باشند و به داد ایرانجوان برسند چرا که از امروز ایرانجوان نیز راهی را در پیش گرفت که شاهین در پیش گرفته بود.

شوک عضو فوتبالی شورا از دیدن قائم مقام ایرانجوان

قبل از شروع صحبت‌های شمسا که شوک عجیبی به وی وارد شده بود چرا که انتظار دیدن سیروس دهقان را نداشت، رئیس شورای شهر بوشهر با بیان اینکه ایرانجوان تیمی پرطرفدار است، گفت: شهرداری قول داده به تیم‌های ورزشی کمک مالی کرده و ایرانجوان را تنها نگذارد هر چند اوضاع مالی زیاد خوب نیست اما برای سال ۹۳ بودجه قابل ملاحظه‌ای در اختیار ورزش خواهیم گذاشت.
اکبر شمسا پس از رفتن سیروس دهقان با انتقاد از روابط عمومی شهرداری و رئیس شورای شهر گفت: چرا کسانی را که دعوت می‌کنید به ما اطلاع نمی‌دهید تا با دست پر و آمادگی جوابگوی آنها باشیم، من فکر نمی‌کردم آقای دهقان را امروز اینجا ببینم و حرف های توهین آمیزشان را بشنوم..
وی با بیان اینکه من به دهقان نگفته ام زمین خوار است گفت: من به عنوان نماینده مردم صحبت آنها را رساندم و با توجه به اینکه در جریان تیم بودم و دلسوز تیم هستم.
وی با بیان اینکه نمی‌توانیم به هر مسئولی بگوییم بیاید از خودش دفاع کند، گفت: دارایی ایرانجوان مربوط به هئیت موسس بوده و و نباید دست کس دیگری بیفتد شما باید مشکلات ما را حل کرده نه اینکه قهر کنید.
برزگرزاده رئیس شورای شهر بوشهر نیز با شمسا برخورد کرده و گفت: شما که حرفی در مورد ایرانجوان زدید باید برای پاسخگویی دستتان پر باشد نه اینکه دوباره ما برای شما جلسه‌ای ترتیب دهیم تا جوابتان را آماده کنید.

خداحافظ شاهین ، خداحافظ پرنده فقیر آسمان بوشهر

فریبا کرمی



ذهنمان پر از چراهایی است که جواب هایی برایشان نمی یابیم... گناه مردم بوشهر چه بود؟
پرنده ای که با جان و دل و اشک بزرگش کرده بودند...
پرنده ای که ازنفس خود درآن دمیده بودند...
پرنده دیگر پرواز نمی کند...
زخمی که نه ، این بار بالش را شکسته اند...
پرنده بی بال دیگر نمی تواند پرواز کند...
چقدر برای مسئولان بنویسیم ؟ چقدر بی اهمیت بودند؟ چقدر دندان روی جگر گذاشتیم تا شاید روزی جواب تلفنمان را بدهند و خبر خوش از شاهین ، لبخند بر لبانمان بنشاند.
چقدر منتظر بمانیم تا شاید یکی همین جا ، از همین دیار ، از جنس مردم جنوب و شاهین پیدا شود و دلش بسوزد و کاری کند.
چقدر باید نوشت؟ برای چه کسی باید نوشت؟ برای شاهینی که بی جان است و نمی بیند ، نمی شنود و نمی فهمد؟ برای مسئولی که برایش مهم نیست چه اتفاقی افتاده است؟ از چه کسی و برای چه کسی بنویسیم؟ برای مسئولین گذشته که نابود کردند و رفتند؟ برای مسئولین حال که دست روی دست گذاشتند ؟ یا برای مسئولین آینده ...
برای چه کسی بنویسیم؟
برای تعداد محدود خبرنگاران و نویسندگان که رسالت خود را که همانا صادقانه نوشتن بود فراموش نکردند و به خاطر شاهین بغض کردند و گریه کردند و نوشتند...
برای کسانی که از بدو جان گرفتن پرنده در کنارش بودند و هستند...
برای کسانی که دیگر نایی برای حرف زدن ندارند و فقط می نویسند شاید دردشان التیام یابد...
ورق میزنم خاطرات گذشته را...
از آن صعود دلنشین و شادی پس از آن...
عکس های شیرین آن موقع ...
یادش به خیر...
پرچم شاهین در دست هواداران و لبخند رضایت برلبانشان...
مسئولان ، زندگی بهتر از این؟
شاهین همه ی زندگی بود، فینال جام حذفی و سقوط تدریجی پرنده و حالا دیگر چیزی از شاهین باقی نمانده است جز خاطره ...
افتاده اند به جانش و هر کس می خواهد تکه ای بردارد و شکمش را سیر کند ...
شاهین انگار بنگاه معاملاتی شده بود و است ...
جایی برای بیزینس ! موریانه هایی که دارند ذره ذره او را می خورند... این بار روی صحبتمان با اینها نیست... میخواهیم با مردم حرف بزنیم...
خوزستان زمانی جنگ بود ، ایثار بود...هر کس تکه ای از وجودش را از دست داد اما هنوز که هنوز است نفس می کشد این بار بهتر از گذشته ، چرا؟ مگر نه این است مردمش هوای هم را دارند؟ مگر نه اینکه جانشان را برای حتی یک ذره خاک استانشان می دهند؟ چون اتحاد دارند...
چرا بوشهر باید غریب نواز باشد؟
چرا سعی نمی کنیم آنچه را که باید داشته باشیم را بدست بیاوریم...
چرا دیگر برایمان چیزی مهم نیست؟
کوچکترین حق مردم بوشهر همسایه خلیج فارس در سرزمین ایران عزیز داشتن یک تیم فوتبال است میان ۱۶ تیم لیگ برتری در لیگ خلیج فارس ، برای جوانان عاشق فوتبالش ، زیاد است؟
پرتوقع ایم؟
تا کی محروم بودن؟
تا کی نشستن و از حق خود دفاع نکردن؟ تا کی بیایند، نابود کنند و بروند...
به خدا دیر می شود...
پیرمرد بوشهری با درد مینویسم ، مادر بزرگ بوشهری روزی خواهد رسید که دیگر از شهر آفتاب و دریا چیزی باقی نمی ماند جز گرما و شرجی و افرادی که دیگر سرمایه ای ندارند...
جوان بوشهری روزی خواهد رسید که دیگر کسی دستت را هم نمی گیرد...
پس بلند شو، جوان بوشهر بلند شو و یک بار دیگر خود را اثبات کن و بلند شو کمک کن تا شاهین جان بگیرد...
پسر جنوب همت کن تا دوباره به شاهین پر و بال دهیم... این بار قوی تر از همیشه...
همشهری ! باور کن به هم ریخته ایم... این روزها حال خودمان را هم نمی فهمیم ، با هر کس حرف می زنیم شاید امیدی بدهد ، او از من خسته تر و نا امید تر و بی حوصله تر است...
این روزها توان حرف زدن نداریم ، فقط می نویسیم تا شاید گره گشایی باشد بر این ماجرا...
بلند شو،عاشق شاهین...
این بار شاهین فقط تو را دارد...
به خداوندی خدا قسم ، این بار باید در کنار هم باشیم تا به نتیجه برسیم وگرنه هر کس گوشه ای چیزی بنویسد و حرفی بزند سودی ندارد.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



دومین نامه حامیان جوان ستاد انتخاباتی حسن روحانی در استان بوشهر:

آقای رئیس جمهور! به خواست حامیانتان پاسخ مثبت دهید



جناب آقای دکتر حسن روحانی، ریاست محترم جمهور
این دومین نامه ی ما به شما در طی یک ماه اخیر است. در نامه ی قبلی با تحلیل شرایط کشور و استانمان از شما خواستیم که در تعیین استاندار مورد درخواست ما و قاطبه حامیان جناب عالی در استان بوشهر تعجیل کنید اما متاسفانه به دلیل تعلل وزارت کشور، هیچ پاسخ مثبتی دریافت نکردیم و امروز زمزمه های ناراحت کننده ای می شنویم که قرار است وزارت کشور خواست نمایندگان اصول گرا و تعدادی افراد ذی نفوذ را بر خواست حامیان شما و خیل امیدواران به تغییر ترجیح دهد. و این برای ما جوانانی که با هزاران امید و آرزو و دلخوش به شعارهای انتخاباتی شما پای در عرصه ی انتخابات نهادیم، بسی مایه ناراحتی و نومیدی است.

جناب آقای روحانی

شما در سخنرانی خود به مناسبت معرفی سه وزیرتان در صحن علنی مجلس فرمودید که دولت از راه و خط خود ذره ای عقب نشینی نخواهد کرد. این برای ما باعث خوشحالی است و امیدواریم که با پاسخی که نمایندگان اصول گرا به حسن نیت ها و تعامل های پی در پی تان دادند و مجدداً یکی از وزرای پیشنهادی را رد نمودند، دولت شما هم به این نتیجه رسیده باشد که باید برای این تعامل ها حد و اندازه ای قائل باشد.

جناب آقای رئیس جمهور

وقتی قرار است رأی ندادن نمایندگان مجلس به برخی گزینه های وزارت در چهارچوب وظایف قانونی شان تعریف شود، چرا باید انتخاب استانداری که قرار است مجری سیاست های دولت منتخب باشد، با نظر نمایندگان و افرادی انجام گیرد که مشی سیاسی شان کاملا در مقابل دولت و اکثریت مردم قرار دارد؟

آیا قرار است دولت شما این تعامل را در جاده ای یک طرفه ادامه دهد و خواست اکثریت حامیان شما را به سود خواست اقلیتی ذی نفوذ، نادیده بگیرد؟ اگر چنین است، ما چگونه می توانیم امیدوار باشیم که دولت ذره ای از راه و خط خودعقب نشینی نخواهد کرد؟

جناب آقای رئیس جمهور

ما جوانان بوشهری اعضای ستاد انتخاباتی شما دیگر بار توجه حضرت عالی را به این نکته جلب می کنیم که با هزاران امید و آرزو و به پشتوانه ی امیدهایی که به ما دادید، برای شما فعالیت کردیم، دیگر جوانان و مردم را به پای صندوق های رأی فراخواندیم و در پیروزی شعار اعتدال و تدبیرسهیم شدیم و اینک بار دیگر تأکید می کنیم که همچون ستاد مرکزی انتخاباتی شما در استان بوشهر، معتقدیم که تنها کسی که می تواند با اتکا به سال ها تجربه و به پشتوانه شخصیت توانمند، معتدل و مردمی خود، مجری سیاست ها و خواسته های دولت تدبیر و امید در استان بوشهر باشد، جناب آقای مهندس تبادار است.

ما امیدواریم که دخالت شخص شما در این موضوع و پرهیز از مصلحت سنجی هایی که به نومیدی و سرخوردگی جوانان این دیار خواهد انجامید، به این اندک خواست مشروع حامیانتان پاسخ مثبت دهید و در این راه به صدای افراد ذی نفوذ که ممکن است از صدای ما بلندتر باشد، توجهی نفرمایید.

با سپاس

اعضای ستاد جوانان دکتر حسن روحانی در استان بوشهر

مطبوعات و کم نمودن از هیچ

یونس قیصی زاده: به تازگی اعلام کرده اند که «مطبوعات به ازای هر تذکر کتبی که دریافت کنند، یارانه مطبوعاتی اشان کم می شود». باید از این پس خیلی حواسمان باشد که دست از پا خطا نکنیم که یک وقت مبالغ هنگفتی که به طور مرتب به عنوان یارانه مطبوعات به نشریات مستقلی مثل نسیم جنوب پرداخت میشود قطع نشده و روزگار چاپمان را سیاه نکند!

فقط یک سوال داریم: دلیل اینکه در طی چند سال دولت اصولگرایان یارانه مطبوعاتی هفته نامه نسیم جنوب و دیگر نشریات مستقل و منتقد دولت در بوشهر را قطع کردند (و حتما نصیب مطبوعات مداح دولت اصولگرایان شد)، چه بود؟ و بر اساس کدام قانون یک دولت می تواند سهم مطبوعات منتقد خود را قطع و آن را به حساب دوستانش واریز نماید؟! و کدام قانون اجازه داده تا یک دولت عدالتخواه! انواع و اقسام فشارها را برای نابودی و تعطیلی مطبوعات منتقد خود بکار گیرد؟

حقیقت اینکه به این نتیجه رسیده ام که فعالیت های مطبوعات محلی در استانهای کشور هیچ اهمیتی برای قدرت نشینان مرکز نداشته و ادامه فعالیتشان تنها به هنگام ارائه آمار مورد توجه مسئولان فرهنگی قرار می گیرد و انتشار آنها تنها به عشق و علاقه و احساس مسئولیت قشری از اهل فرهنگ، برپا می ماند، بنابراین وقتی که به سادگی با تصمیم یک مدیر غیر فرهنگی می توان کل یارانه مطبوعات منتقد را برای سالها قطع نماید (که همچنان ادامه دارد) کم نمودن مقداری از این هیچ! دیگر چه اهمیتی دارد.

کتابفروشی های بوشهر ....

حماسه حق پرست: "نگاهی گذرا به پیشینه و تاریخ مطبوعات و رسانه های نوشتاری در استان بوشهر، حکایت از ژرفای فرهنگی و درازنای تاریخی این سامان دارد. چه به قول تاریخ نگار و نویسنده برجسته ی بوشهری "سید قاسم یاحسینی" : مردم بوشهر از دیر باز با روزنامه و فرهنگ روزنامه خوانی آشنا بوده و نقش موثر وسیله ی ارتباط جمعی را در زندگی نوین درک کردند. سال ها قبل از انتشار اولین روزنامه های فارسی زبان در هندوستان، تحصیل کردگان و نخبگان بوشهری از طریق مطالعه ی کتاب ها و روزنامه های فرانسوی و انگلیسی با فرهنگ روزنامه خوانی آشنا بوده اند، به طوری که یکی از اقلام مهم وارداتی از لندن و هندوستان به بوشهر، کتاب و روزنامه بوده است. برخی از نگارندگان تاریخ مطبوعات ایران نیز بر این باورند که: میرزا صالح شیرازی، پدرمطبوعات و روزنامه نگاری در ایران، در دوران نوجوانی برای اولین بار در شهر بوشهر با روزنامه های فارسی زبان چاپ هندوستان آشنا شد."

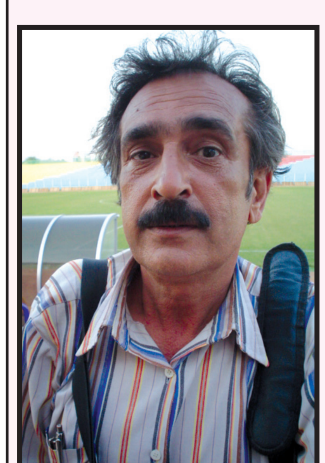
بعضی از کتابفروشی های قدیمی بندر بوشهر عبارتند از: امیرکبیر، مهران، داد، علیباشی و... شما دوستان خوبم با دادن اطلاعات در این زمینه مطلب را چاق تر کنید. با سپاس – "شاهین بهرام نژاد"

عکس مربوط به کتابفروشی امیرکبیر در بوشهر جنب ساندویچی گلعین و تابلوسازی خوشابی به سال ۱۳۴۶ خورشیدی است. نفر سمت چپ نیز آقای درزی است.



با عکاس فقید در پس کوچه های بوشهر

اسماعیل جاشوئی



با ضیاء جمالی شباهنگام کوچه پس کوچه های بافت قدیم بوشهر را زیر پا می گذاشتیم و بیشتر از اینکه به فکر عکاسی باشیم بحث و جدل می کردیم. شب های پاییزی که هیچگاه فراموش نخواهم کرد. بیماری قلبی ضیاء هر روز وخیمتر می شد و او می دانست بزودی از درد زیستن رها خواهد شد و با این وجود هیچگاه ناامیدی را در چهره او ندیدم. انسانی که تا آخرین لحظه حیات با امید زیست.

خیلی از خانه های بافت قدیم بوشهر تخریب و نابود شده ولی آنچه که دردناک است ناامیدی برخی از نجات باقی مانده این گنج ارزشمند است. تقریبا همه با افسوس نظاره گر این نابودی هولناک هستند. ولی باید بدانیم با وجود این همه تخریب هنوز تعدادی از خانه هاباقی مانده و در صورت تلاش همگان امکان نجات آنها وجود دارد. عکس ها و نوشته های ضیاء ادامه دهنده زندگی او هستند. او با وجود آگاهی از رفتن زودهنگام خود و دقیقن به واسطه همین آگاهی تا آخرین لحظات تلاش کرد. زندگی او در ذهن و قلب تمام کسانی که عکس ها و نوشته های او را دیده و خوانده اند، ادامه دارد. همچون ادامه فرهنگ نهفته در بافت قدیم بوشهر در ذهن و قلب همگی ما.

یک بوشهری رئیس مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش شد



دکتر علی اصغر فانی در جلسه ای که با حضور کفاش مشاور وزیر و سرپرست مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی، بطحایی مشاور وزیر و مدیر کل دفتر وزارتی و جمعی از روسای مراکز و مدیران کل حوزه ستادی برگزار شد، عبدالرسول عمادی رئیس مرکز سنجش آموزش و پرورش حکم انتصاب خود را از فانی دریافت کرد و از زحمات عرفی رئیس سابق مرکز قدردانی به عمل آمد .

شایان ذکر است؛ عبدالرسول عمادی دارای مدرک دکترای تاریخ علم است و ریاست اداره آموزش و پرورش شهرستان ، معاونت اداره کل آموزش و پرورش استان، ریاست سازمان آموزش و پرورش استان های بوشهر و خوزستان ، مدیریت برنامه ریزی سازمان نهضت سواد آموزی، مشاور سازمان ملی بهره وری ایران و مدیریت تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و تدریس در دانشگاه را در کارنامه خود دارد .

کلیسای گریگوری و ناقوس هائی که دیگر نیستند



فراز غلام زاده: کلیسای گریگوری در سال ۱۸۱۹ م. به وسیله ی خانواده های آوادیان و انگلیسی های ساکن بوشهر در محله ی شنبدی ساخته شد که شامل یک حیاط و چند اتاق در دو طبقه و یک سالن بزرگ به شکل صلیب با سقف بلند است.

از سالن برای برگزاری مراسم مذهبی و جشن های ملی استفاده می شد. کف آن با تخته های الوار فرش است و صندلی های چوبی برای نشستن افراد شرکت کننده



در سالن وجود دارد. بر سردر ورودی سالن نیایش، کتیبه ای سنگی از جنس مرمر قرار دارد که بر روی آن مشخصات کلیسا به زبان ارمنی و انگلیسی نوشته شده است.

حاشیه ی آن با گل و برگ تزئین شده و در پایین، تصویر مردی سوار بر اسب، که در طرفین او دو نفر ایستاده اند، به چشم می خورد. در پوشش سقف سالن نیایش از سه نوع تیر پوششی استفاده شده و بار وارده از سقف با هفت ستون چوبی تحمل می شود. اَز نکات دیگری که می توان به آن اشاره نمود وجود بازشوهایی (در و پنجره) در اطراف سالن برای ورود هوا و نور است و دو نوع قوس شاخ بزی و تخت در بالای بازشوها وجود دارد. در شرق سالن نیایش سکویی به ارتفاع حدود یک متر ساخته اند که بر روی آن کتاب های مقدس، تصاویری از حضرت عیسی (ع)، گلاب پاش، شمعدان، گلدان های گل و وسایل مقدس دیگر قرار داشته است و در اطراف سالن نیایش، اتاق آموزش کشیشان، کتابخانه، رختکن، اتاق غسل تعمید، اتاق شستشوی مردگان و... ساخته شده است.

در ضلع شمال شرقی کلیسا دو اتاق پنج دری و سه اتاق سه دری در دو طبقه (همکف و اول) ساخته شده که از آنها به عنوان محل اقامت کشیشان، آشپزخانه، انباری و سرویس های خدماتی استفاده می شود. در جلوی اتاق ها، طارمه ای است که بین ستون های آن آفتابگردان چوبی تخت به کار رفته است.

در گذشته، ورودی به حیاط کلیسا از طریق دو درِ چوبی شمالی (کوچک) و شمال غربی (بزرگ) انجام مِی شده است. درِ شمالی که کوچک تر ست، امروز به همان فرم و شکل گذشته باقی مانده است اما درِ چوبی بزرگی که در ضلع شمال غربی حیاط کلیسا قرارَ داشته، با احداث خیابان انقلاب (ششم بهمن) در دهه ی ۱۳۴۰ ه.ش از



بین رفته است و جای خود را به دری فلزی داده است که امروز در خیابان انقلاب قرار دارد و به راهروی مسقف ختم می شود و رفت وآمد از آن انجام می شود. در کنار در فلزی که به خیابان انقلاب باز می شود، چند باب مغازه و یک تابلو که نام کلیسا و تاریخ ساخت آن به سه زبان ارمنی، فارسی و انگلیسی نوشته شده، به چشم می خورد.

داخل درِ شمال غربی– که درِ نسبتاٌ بزرگی بوده و با احداث خَیابان انقلاب از بینَ رفته– دو در کوچک عابررو وجود داشته و در دو سمت آن، دو صلیب نقش برجسته چوبی وجود داشته و دو چراغ استوانه ای شکل نیز بر روی دو ستون در طرفین در ورودی برای روشنایی قرار داشته است.

در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ ه.ش با احداث دو خیابان انقلاب (ششم بهمن) و آیت ا... بلادی قسمت هایی از سالن نیایش، گورستان کلیسا و اتاق های ضلع شمال شرقی تخریب شده است. گورستان کلیسا که در شمال حیاط قرار داشته و مسیحیان اموات خود را در آن دفن می کرده اند در طرح خیابان کشی قرار گرفته و امروز تعداد معدودی قبر در حیاط کلیسا باقی مانده که برخی از آنها متعلق به افراد سرشناس ارمنی همچون تیگران ملکم و هائیک گلزاد است. از تزئینات به کار رفته در کلیسای ارامنه می توان به تزئین حاشیه ی سنگ قبرها، استفاده از سنگ گرانیت سیاه رنگ در حاشیه ی قبور، نقش صلیب در بالای سنگ قبرها، نقش برجسته ی قلب در وسط قبر و گل و برگ در حاشیه ی آن، استفاده از قوس های تزئینی نیم دایره و شاخ بزی و نقوش گل های شش پر و دوازده پر در دو و چهار جهت قبر و تزئینات دیگر در اطراف ستون های باربر (محل اتصال سقف به ستون) و سالن نیایش که به صورت کنگره ای با چوب تزئین شده، اشاره کرد.

گنبد سفید رنگ مخروطی شکلی که در ضلع شرقی سالن نیایش با سنگ و گچ ساخته شده، از تیرهای چوبی چندل در سازه ی آن برای بالا بردن ضریب اطمینان استحکام گنبد استفاده شده است.

برای رفتن به پشت بام راه پله ای چوبی در ضلع شرق کلیسا قرار دارد که طبقه ی اول را به پشت بام متصل می کند. نمونه ی این راه پله ی چوبی را می توان در



عمارت های هفت بنگله واقع در محله ی بهمنی مشاهده کرد.

کلیسای ارامنه توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در حال مرمت و بازسازی است و در ۷ مهر ۱۳۸۱ ه.ش و به شماره ی «۶۵۱۴» در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. بر پشت بام کلیسای گریگوری دوناقوس بزرگ بوده که به سرقت رفته است.

عاشق بوشهر: نقشه بوشهر بر روی لباس حسین ماهینی ملی پوش بوشهری تیم فوتبال ایران



شروع فروش IPAD شرکت اپل نسخه Air



امین دشتی – مدرس بین المللی میکروتیک

تا قبل از صبح جمعه ۱۰ آبان، طرفداران اپل در لندن به مدت ۲۴ ساعت در صف برای خرید این دستگاه جدید در انتظار بوده اند! این دستگاه باریک تر، سبک تر و قدرتمند تر از مدلهای پیشین خود، به قیمت ۳۹۹ پوند انگلیس به فروش می رسد.

شرکت اپل امیدوار است با معرفی پردازشگر قدرتمند و پیشرفته تر این دستگاه بتواند موجی از نرم افزارهای جدید منطبق با سیستم عامل خود را پشتیبانی نماید.قیمت ۳۹۹ پوندی این دستگاه این مسئله را تایید می کند که شرکت اپل به دنبال قرار گرفتن در بازار به عنوان یک کالای سطح بالا می باشد به جای اینکه قصد رقابت با شرکتهای کمتر شناخته شده و دستگاههای ارزانتر را داشته باشد.CNET، این دستگاه را با توجه به بهبود قابل توجه در طراحی و سرعت پردازنده، بهبود در کیفیت دوربین و افزایش طول عمر باطری آن، به عنوان بهترین تبلت بازار با اندازه کامل معرفی کرده است.

استاد ارجمند جناب آقای
مهندس محمد حسین قیصی زاده
به رسم ادب فرصت را غنیمت شمرده و مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را از خدمات ارزشمند و قابل ستایش جنابعالی که نقش سازنده ای در ارتقا سطح علمی اینجانبان داشته را اعلام میداریم.
«دانشجویان رشته مهندسی فناوری اطلاعات
دانشگاه جامع علمی کاربردی استانداری بوشهر »